

یادداشت مجله

مهرها و نشانهای استوانه‌ای از کهن‌ترین اسناد مستند و ارزنده تاریخ ایران باستان هستند که خوشبختانه تعداد بسیاری از آنها از دستبرد حوادث مصون و برای ما بجای مانده است و این مهرها در شناخت تمدن و فرهنگ و هنر ایران باستانی از مهمترین مدارك و اسناد میباشند که با تکیه آنها میتوان برپاره‌ای از عقاید و نظرات نا درست که درباره تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران انتشار یافته است خط بطلان کشید .

با توجه باین اصل مهم ،چندی پیش مجله بررسیهای تاریخی از فاضل گرامی آقای رکن‌الدین همایون فرخ که مجموعه مهرها و نشانهای استوانه‌ای ایشان (شامل ۱۴۲۵ قطعه) بی‌گمان در نوع خود غنی‌ترین مجموعه‌های جهان است خواستار شد ، نمونه‌هایی از این هنر اصیل آریائی را با توضیحاتی برای درج در مجله بررسیهای تاریخی اختصاص دهند و این همان مطلبی است که در

شماره ۲ و ۳ سال چهارم انتشار آنرا به خوانندگان
ارجمند مجله وعده کرده بودیم .

اینک با سپاسگزاری فراوان از آقای همایون فرخ
مقاله مزبور را زیر عنوان « معرفی يك مجموعه از مهرها
و نشانهای استوانه ای در ایران باستان » از نظر
خوانندگان میگذرانیم .

در این مقاله محققانه ، درباره تاریخ پیدایش ،
اقسام ، چگونگی تمپه ، ارزش هنری مهرهای استوانه‌ای
وبستگی این هنر باقریحه و هنر اقوام آریائی و همچنین
از خطوط منقور روی آنها و هنر حکاکی و نقاری در
ایران باستان گفتگو شده و نویسنده در مقاله خود
نمونه عکس ۱۳۰ نوع از مهرها و نشانهای استوانه ای
از مجموعه گرانبها و بی نظیر خویش را نیز ارائه نموده
است که میتواند برای تحقیق و بررسی در این رشته از
هنر آریائی سند و مدرک معتبر و اصیلی باشد. ما توجه
دانشمندان خاورشناس را به اهمیت موضوع جلب
میکنیم و امیدواریم با تحقیق و خواندن آنها ضمن آنکه
برگهای تازه ای بر تاریخ تمدن و هنر ایران می افزایند
اشتباهاتی را هم که در داوریهای برخی از محققان درباره
تاریخ ایران رخ داده است تصحیح نمایند .

بزی ای تاریخی

مهرها و نشانهای استوانه‌ای ایران باستان

گرامی پژوهشی بررسیهای تاریخی از این بنده خواسته بودند که عکس تعدادی از مهره‌های استوانه‌ای و نشانهای مجموعه خود را در معرض مطالعه و بررسی و تحقیق و پژوهش پژوهشگران و دانشمندان ایران باستان قرار دهد و تا آنجا که برای این بنده نویسنده هم مقدور باشد بمعرفی آنها بپردازد.

درباره مهره‌های استوانه‌ای و نشانها و نکین‌های دوران باستان اثری جامع و تحقیقی در زبان فارسی تا کنون نوشته نشده است و همین اندازه میتوان گفت که تنها چند مقاله آنهم بصورت ترجمه و بسیار ناقص و موجز در این باره نشر یافته است

تقلم:

رکن الدین بهایون فرخ

و همین قلت معلومات و عدم شناسائی و معرفی این اسناد و مدارك نویسنده را بر آن داشت که با عدم بضاعت معنوی تا آنجا که معلومات یابوری میکند نخست برای شناساندن و آشنائی خوانندگان ارجمند اطلاعاتی درباره چگونگی و شناخت و معرفی و ارزش مهره های استوانه ای و نشانها و نگینهای انگشتری باختصار در اختیار خواستاران آن قرار دهد و سپس به معرفی تعدادی از مهره های استوانه ای و نشانها و نگینهای مجموعه ناچیز خود پردازد.



مهر استوانه ای چیست ؟

مهر استوانه ای که در زبانهای لاتین به آن سیلندر میگویند مهره هایی است حکاکی شده بصورت استوانه که درون آن را از یکسره سردیگر برای گذراندن میله های فلزی و یا ریسمان سوراخ کرده اند و بصورت نایزه ای در آمده است.

این مهره ها را از اجسام گوناگون و مختلفی ساخته اند و چنانکه خواهیم گفت اجسام آنها یکی از جمله راهبائی است که مارا بزمان و قدمت آنها رهبری میکند.

بطور کلی این مهره ها از کل بخته - مرمر - پشم - Nennrite - زمرد Emerald - یاقوت (یا کند) Corondum - جید Jade - زبرجد Chrysolite یاقوت کبود - بیجاده (سیلان) Garnet - سنگ آهن (خماهن) حدید - Haematite - فیروزه - لآزورد Lazuli - عین الھر (چشم کربه) Seye و Cat - زبرجد شرقی Cymophane - خلنگ (جزع) Onyx - باباقوری و نوع سنگ سلیمانی - انواع عقیق Ghalce - رخام - سنگ نقره - و مفرغ ساخته شده اند .

مهرهای استوانه ای یا لولها بدرازی از $1\frac{1}{4}$ سانتیمتر تا ۶۰ سانتیمتر دیده شده اند .

در زبان فارسی باین مهرها لول میگویند و این واژه فارسی است و به

هر چیزی که از نظر صوری همانند ستون یا نایژه باشد لول میگویند و کردی آن لولک است. و لوله چیزی است که به لول شباهت داشته باشد. سعدی در بدیع میفرماید:

آب حیات در لب اینان بظن من

از لوله‌های چشمه حیوان مکیده‌اند

استوانه نیز از استوان پهلوی گرفته شده و معنی آن چیزی است که شبیه به ستون باشد.

حرف «ها» در لوله و استوانه. علامت تشبیه است همچون انگشتانه و انگشتوانه که منظور چیزی است شبیه به انگشت.

بیشتر مهرهای استوانه‌ای از عقیق و انواع آنست و چنانکه میدانیم این سنگ در ایران باستان مانند گوهرهای گرانبه بوده و از او آخر هزاره چهارم آن را استخراج نموده و بکار می‌برده‌اند.

داریوش بزرگ در لوحه‌ای که در آن تاریخ بنای کاخ آپادانای شوش را ثبت کرده متذکر است که در آن کاخ سنگ عقیق بکار برده است. ایرانیان باستان سنگ عقیق را سیمکا بروش می‌گفتند.

عقیق انواع قرمز، قهوه‌ای، کبود، سیاه، ازرق، دورنگ، سه رنگ، ابلق، زرد، شیری و سفید دارد. و گوهرشناسان انواع آن را به نام‌های گوفه‌گون مانند جزع، باباقوری، سنگ سلیمانی، چشم‌گربه، زبرجد شرقی، مه‌ور (حجر القمر) خوانده‌اند.

یاقوت و زبرجد نزد ایرانیان باستان مقامی ارجمند داشته است. نقل است از سلمان فارسی که گفته است «خداوند یاقوت را در روز نوروز از برای زینت مردمان بیافرید و زبرجد را در روز مهرگان و این دو روز را بر سایر ایام فضیلت داد چنانکه یاقوت و زبرجد را بر دیگر جواهرات».

ایرانیان باستان در تراش و حکاکی و نقاری گوهرهای قیمتی چیره دست

بوده‌اند. چنانکه در این باره سخن خواهیم گفت، در اثر چیره دستی در این هنر از انواع گوهرها زینت‌ها می‌ساختند و یا تندیس‌ها می‌پرداختند.

گردیزی در زین‌الخبار می‌نویسد که خسرو پرویز شش‌رنگی داشت که مهره‌های آن را از یاقوت سرخ و یاقوت زرد تراشیده بوده‌اند. هم‌چنین نردی داشته است که مهره‌هایش را از زمرد و یاقوت ساخته بوده‌اند.

تاریخ پیدایش مهرهای استوانه‌ای

از اواخر هزاره هشتم پیش از میلاد آریائیها برای باز شناخت کالای افراد و مال‌التجاره بازرگانان روی گل‌علائمی نقش می‌کرده‌اند و سپس این گل‌ها را می‌پخته‌اند تا همانند آجر سخت می‌شده است و هر بازرگان و یا صاحب نام و عنوان و هر بزرگ و برگزیده‌ای برای خود علامت و نقشی خاص انتخاب می‌کرد و این علامت و نقش و نشان نام و عنوان شخص مشخصی می‌گردید و به همین اعتبار است که ما برای اینگونه مهرها نام نشان را برگزیده‌ایم. لازم به یادآوری است که همین نشانه‌ها و علائم پایه و اساس پدید آمدن خطوط علائمی و نقشی (ادئوگرام) در قرون بعد گردید.

این مهرهای گلی بجای پول و پرداخت باج و خراج و بعنوان برات هم بکار می‌رفته است و در دوران اشکانی و ساسانی بجای پروانه و جواز نیز مورد استعمال قرار می‌گرفته است. و در آن زمان به آن (گل مهر) می‌گفته‌اند. گلی که با آن این گل مهرها را می‌ساخته‌اند فرست می‌نامیده‌اند که معرب آن جرجس است و آن گلی نزدیک به گل کوزه گری است.

فردوسی در شاهنامه گل مهر را که بجای پروانه و جواز بکار می‌رفته است بکار برده و می‌فرماید:

نهانی به پالیزبان گفت شاه که از مهتر ده گل مهر خواه

ابوعلی مسکویه در حوادث سال ۳۲۷ ه. ق. می‌نویسد: ... گروهی از

مردان به ابن‌رائق پناه جستند او . به آنان پاداش وعده داد و مهرهای گلین بخشید که یادآور آن وعده باشد^۲ .

همین محقق و مورخ معروف در جای دیگر کتاب خود مینویسد که «مهر-های گلین را از طرف خزانه بجای رسید باج به سزیت دهندگان میداده‌اند»^۳ . از هزاره ششم پیش از میلاد مهرهای استوانه‌ای از نوع همین گل مهر (گرگت) در دست داریم که نشان میدهد مهرهای استوانه‌ای را پیش از اینکه با سنگ‌ها تراشیده شود نخست با گرگت ساخته و بکار می‌برده‌اند .

مهرهای استوانه‌ای وسیله‌ای بوده است که با آن موضوع و مطلبی را که می‌خواستند تکثیر کنند - تکثیر و پخش می‌کرده‌اند و در واقع باید گفت این نخستین وسیله چاپ و نشر بوده است .

پیش از پیدایش خط باعلائم و نقوش که هر یک از آنها معنی و مفهوم خاصی داشته است در روی مهرهای استوانه‌ای آن را نقر می‌کرده‌اند و پس از اینکه خط پدید آمده است مطالب و فرمانها را می‌نوشته و تکثیر کرده‌اند .

وسیله تکثیر بدین طریق بوده است که نخست آنچه را می‌خواستند بر روی مهر استوانه‌ای نقر می‌کردند و سپس آنرا مانند ورونه در روی گرگت یا لاک می‌غلطانیدند و با هر غلت یک ورقه از موضوع و مطلب مورد نظر بدست می‌آمد و میتوانستند بایک مهر استوانه‌ای تاهزار برگ از آن بسازند و آن را بمصرفی که می‌خواستند برسانند .



در مجموعه این جانب مهرهای استوانه‌ای و نشان‌های سنگی از هزاره پنجم پیش از میلاد هست و در این نشان‌ها و مهرهای استوانه‌ای از همان نقوش و علائمی است که در غارهای ماقبل تاریخ ایران نقاشی‌های همانند آن بدست آمده است .

۲- تجارب‌الامم ج ۱ ص ۴۰۸ چاپ اروپا .

۳- تجارب‌الامم ج ۲ ص ۶۵ .

از شوش نیز مهرهای استوانه‌ای بدست آمده که متعلق به اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد است و اینک در موزه ایران باستان محفوظ است .
مهرهای استوانه‌پس از پیدایش به‌مرور راه تکامل را مانند هنرها و دانش‌های دیگر پیمود و بدرجه‌ای از کمال رسید که راستی موجب حیرت و شگفتی است .

از دوران مادها به بعد مهرهای استوانه‌ای در روی سنگ‌های مختلف و قیمتی حکاکی و نقاری شده‌اند .

اساساً نوع سنگ‌ها و مهره‌ها در نزد ایرانیان باستان (دوران پیش از تاریخ و پس از آن) ارجی و مقامی داشته و برای هر نوع آن خواصی می‌شناخته‌اند و به همین مناسبت بر روی مهره‌هایی از سنگ‌های قیمتی نقوشی بعنوان اوراد و دعا و وضع زیان و ضرر و شر نقرمی کردند و بگردن می‌آویخته‌اند و یا به بازو می‌بسته‌اند . از دوران باستان اثری بجامانده است بنام (داتستان دینیک) که بخط آم‌دبیره است و آن را به سال ۱۹۱۳ . م شادروان اوراد با مانجی ناسر و انجی در بمبئی چاپ و نشر داده در این اثر درباره نشان مهره‌ها و خواص آنها در ۳۰ فصل آورده است .

در شاهنامه فردوسی نیز به اینگونه مهره‌ها اشاراتی رفته است از جمله در داستان کشته شدن سهراب بدست رستم . سهراب برای شناساندن خود به رستم میگوید :

کنون بند بگشای از جوشنم	برهنه به بین این تن روشنم
چو برخاست آواز کوس از درم	بیامد پر از خون دورخ مادرم
همی جانش از رفتن من به‌خست	یکی مهره بر بازوی من به بست
مرا گفت کاین از پدر یادگار	بدارو به بین تا کسی آید بکار



بامطالعه در روی مهرهای استوانه‌ای و نشان‌ها میتوان درباره زندگی اجتماعی مردم ایران پیش از تاریخ و نحوه فعالیت‌ها و آداب و رسوم و معتقدات

وسنن و خصوصیات زندگی و ابزار هائیکه بکار می گرفته‌اند همانند وسیله فخریسی - وسیله بافندگی . طرز شکار و دریافت اینکه از چه زمان و دوران به اکتشاف معادن مختلف و استفاده از آنها برآمده‌اند در باره سیر بوجود آمدن خط و تاریخ آن و تکامل خط که یکی از مهمترین مسائلی است که تحقیق دقیق آن برای تدوین تاریخ بشر نهایت درجه اهمیت و ضرورت را دارد، تحقیق و بررسی کرد .

این مهرها میتوانند چگونگی پیدایش خط ریاضی و مطالعه در امور ویرانی و چگونگی آبیاری و بکار گرفتن ابزار و ادوات زراعی و سپاهیکری و نگاهداری غلات و طرز پرورش دامها و صدها مورد دیگر را برای محققان افشا کنند .

مهره‌های استوانه‌ای میتوانند از هزاره ششم پیش از میلاد برای دانش پژوهان درباره تاریخ ایران باستان بهترین راهنما و گنجینه بی همتا از اطلاعات و دانش های دست اول و بکر و راستین باشد .

مهره‌های استوانه‌ای بدست آمده در ایران بیشتر متعلق است به نواحی - شوش - سیالک - تپه گیان نهاوند - لرستان - سرخ دم - لفان - زیویه کردستان - مارلیک - تپه حسنلو - رضائیه - همدان - گرگان - تربت - اطراف قزوین - بیجار - و قسمت‌هایی از ترکستان و افغانستان .

ارزش تاریخی مهرهای استوانه‌ای

هم‌چنانکه گفتیم مهرهای استوانه‌ای از هزاره ششم پیش از میلاد میتواند بسیاری از مسائل و مطالب تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و هنری نژاد آریائی را روشن کند .

مهرهای استوانه‌ای که تا کنون بدست آمده است به اقوامی آریائی که برجسته‌ترین آنها را در زیر نام می‌بریم تعلق دارد :

سومری‌ها - کاسی‌ها - کیمیری‌ها - میتانی‌ها - ماننایی‌ها - هیستی‌ها - اورارتوها - مادها - پرتوها - پارتها - انشانی‌ها (ایلام) - گیل‌ها - مازندیها - دیم‌ها -

مهرهای استوانه‌ای از نظر هنری

مهرهای استوانه‌ای در اواخر دوران ماد و سپس زمان هخامنشیان از نظر هنر به حد کمال و اعجاز میرسند و هیچیک از مللی که به تقلید از آریائیه‌ها به ساختن مهرهای استوانه‌ای (مانند آشوری‌ها - بابلی‌ها - مصری‌ها) پرداخته‌اند نتوانسته‌اند به پایه مبتکران این هنر برسند.

متأسفانه هم‌چنانکه پروفیسور آرتورا ابراهام پوپ در کتاب شاهکارهای هنری ایران متذکر است، گروهی از باستان‌شناسان با عینک تبعیض به هنر ایران باستان می‌نگریسته‌اند و می‌کوشیده‌اند که هنر حکاکی و اصیل ایرانی را مأخوذ از هنر آشوری و گاه یونان (۱) بحساب آورند.

لیکن بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی و بدست آمدن صدها سند و نمونه هنر حکاکی از دوران‌های بسیار کهن این افسانه ساختگی و مجموع را در هم نوردید و مهر تابان حقیقت از پس پرده ظلمت جهل و غرض چهره‌رخشان نمود و حقائق را آشکار ساخت.

پروفیسور گیرشمن متأسفانه بابه چشم داشتن همان عینک درباره مهره‌های استوانه‌ای دوره هخامنشی اظهار نظر می‌کند. شایسته است نظرات ایسن باستان‌شناسی را که با کمال تأثر اغلب نظراتی دور از واقع و حقیقت اظهار کرده است بی‌اوریم و سپس در بساره مطالب آن با استناد به نظرات محققان عالیقدر اظهار رأی و نظر کنیم.

اینک نظر ایشان درباره هنر حکاکی در روی مهره‌های استوانه‌ای دوران هخامنشی به نقل از کتاب «هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی»

«... هنر هخامنشی در مورد نقوش روی عاج بیشتر از خارج از ایران الهام گرفته است (به چه دلیل معلوم نیست؟) قطعات عاجی که در شوش در چاهی در کاخ اردشیر اول و داریوش دوم روی قسمت موسوم به قلعه پیدا شده ممکن است از مصر یا یونان یا آسیای

کوچک باشد ! (اینگونه اظهار نظر هم واقعاً تازکی دارد . مصر کجایونان کجا آسیای صغیر کجا ؟ معلوم نیست چه اصراری است که بهر حال آنرا به یکی از کشورهای خارجی منسوب کنند؟)

این کشف مللی را که با این فن سروکار داشتند به ما معرفی می کند و نشان می دهد که آن ملت ها چه سهمی در انجام این برنامه وسیع شاهنشاه برای زینت کاخها بر عهده داشتند

در مورد نقوش مهرهای استوانه شکل موضوعها از جهان مذهبی خارج شده وارد جهان عادی میگرددند مثلاً گاهی روی این مهرها شاه را در حال ایستاده روی شیری نشان داده اند و این موضوع از تصاویر کهن خدایان مشرق زمین الهام گرفته است ، شاه در یک دست کمان و در دست دیگر سه عدد تیر دارد . کمان نشانه مخصوص قدرت شاهی است و روی مهرهای استوانه ای شکل و نقوش برجسته بیستون و نقش رستم و روی غار قز قایان نیز نشان داده شده است .

گاهی پادشاه در حال ستایش در برابر دو نقش اهورامزدا که در دو جهت مختلف قرار داده شده اند دیده میشود و در این مورد شاه نیز دو بار در دو طرف آتشدان مجسم گردیده است و اهورامزدا او را برکت می دهد .

در بیشتر موارد ترکیب مجالس از موضوعهای مربوط به مهرهای قدیم مشرق زمین الهام گرفته است

در این مهرها هرگز بعد سوم وجود ندارد. در میان مجلس خدا (؟) و آتشدان و پادشاه مجسم گردیده‌اند و در اطراف شاه بطور قرینه موضوعهای دیگر اضافه شده است تا مجلس را پر کنند حتی يك نقش جنگ میان مادی‌ها و سکاکی‌ها نیز از این قانون تبعیت میکند گاهی برای اینکه منظره‌ای را مجسم کرده باشند درخت خرمائی را در زمینه نقش مجلس نشان داده‌اند بدون اینکه رابطه‌ای با دیگر قسمت‌های نقش داشته قهرمان باشد. روی تمام این مهر مجلس پادشاه است که همیشه پیروز است و بمنزله نشانه‌ای از دولت هخامنشی است. مشهورترین این مهرها مربوط به داریوش بزرگ است که نام وی بانوشته‌ای به سه زبان روی آن دیده میشود.

هنر اصلی هخامنشی در هنر مهر سازی زیاده‌تر موثر واقع نشده (۱) فقط در بعضی موارد هنرهای فرعی مانند کندنه کاری‌ها از هنر رسمی استفاده کرده است ولی در این موارد خصوصاً از موضوعهای قدیمی که میان کوزه گران سیلک معمول بود تقلید شده و این نشان میدهد که شیوه‌های مخصوص هنر ایران کهن حتی از زبان هخامنشی فوق‌العاده جاندار هستند^۴ مهرهای مدور یا بیضی شکل بنا بر سنت‌های قدیم آسیای کوچک ساخته می‌شدند. این مهرها بیشتر در بخش‌های غربی شاهنشاهی ایران مورد استعمال داشتند و از نظر فنی و تنظیم وتر کیششان جزء دسته مهرهای

استوانه‌ای شکل بشمارند . روی یکی از مهرها نقش صاحب‌منصبی با ذکر نامش دیده میشود . و این طریق در دوران ساسانی بسیار معمول خواهد گردید (کذا) از قرن پنجم پیش از میلاد به تقلید هنریونان (۱۱) مهرهای هخامنشی تدریجاً به صفحات مدور یا منصبی که روی آن تصاویر مجسم می گردید مبدل شد (۱۲) انواع مختلف مجالس از این نوع مهرها عبارتند از : مجالس شکار و جنگ که در آن حرکات بصورت طبیعی نشان داده شده و بسیاری از موضوعهایی که مربوط بزندگی روزمره است و یا تصویر حیوانات در حال تاخت . در این مجالس پادشاه شرکت ندارد و ما آنها را مجالس ملی نام نهاده ایم . بعضی اندیشیده‌اند که این مکتب جدید و آورده کوشش هنرمندان یونان در خدمت ایرانیان است (۱۳) .

در این صورت مانند این است که منکر توارث ایرانی در فن مهرسازی شویم . زیرا هر قدر هنر مهرسازی پیشرفت حاصل کرده باشد باز نتوانسته است خصوصیات هنر مشرق (۴) یعنی برجسته نبودن نقوش و مشخص بودن خطوط اطراف نقش انسان و حیوانات را از میان بردارد (۱۴) با وجود کوششی که برای نشان دادن حرکات و مجسم نمودن بعد سوم شده است با این حال عناصر متشکله ترکیبیات فاقد ارتباط داخلی با هم میباشند .

کار اشخاصی که در این مجالس شرکت دارند بی‌روح است تمام خصوصیات این نقوش حتی دقت در نشان دادن

جزئیات حاکی از این است که از هنر یونان الهام گرفته اند (!) شکی نیست که هنر ایران خلق الساعه نیست و غالباً از عناصر هنرهای خارجی استفاده کرده است ولی هیچوقت از این عناصر تقلید کورکورانه نشده و همیشه آنها را بنا بر میل و سلیقه خود بصورت جدیدی درآورده اند و در عمل و در جهان آنروز یعنی جهان ایران و یونان که در حدود غربی آسیای مقدم بایکدیگر هم مرز بودند و روابط بسیار نزدیک داشتند هیچوقت نتوانستند در مورد موضوعهای معنوی بایکدیگر همکاری کنند (!!) اما از میان این مهرها آنچه که مربوط بشخص شاهنشاه میشد در تمام مدت پادشاهی دوران هخامنشی ثابت باقی ماند و همواره شاه را بکمان که علامت نیروی پادشاهی بودنشان داده اند.^۵

بطوریکه خوانندگان گرامی مطالعه و ملاحظه میفرمایند آقای دکتر کیرشمن مطالبی که اظهار داشته اند بسیار ضد و نقیض است. یکی مینویسند که هنر ایران خلق الساعه نیست و نمیتوان منکر وراثت هنر ایران گردید و یا هنر ایران تقلید کورکورانه نیست و در جای دیگر میخوانیم که هنر ایران تقلیدی است از هنر یونان!

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جای تعجب است که آقای دکتر کیرشمن سخن از یونان بمیان میآورند و هیچ توجه ندارند که در قرن پنجم قبل از میلاد چگونه هنر ایران میتواند است مستترع از هنر یونان باشد.^۶

شادروان پرفسور پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران مینویسد:^۷

« هنر دوره هخامنشی ما را با نخستین شاهنشاهی جهان که یکی از منظمترین و مقتدرترین و بی هیچ تردید عادلترین دولتها بوده است روبرو میکند .

۵- هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی- کیرشمن ص ۲۶۹ - ۲۷۰

۶- ص ۲۱

دنیای غرب از ایران باستان آگاهی مختصری دارد
و آن نیز از روی گزارش‌های خصمانه و پرغرض یونانیان
است که در آغاز قرن چهارم پیش از میلاد با ایرانیان
دست و گریبان شدند .

یونانیان این زمان در بیان برتری استعداد خود
هیچگونه تواضعی نداشتند و بر ایشان دشوار بود
که از هنر ملت‌های دیگر سخن بگویند

«یونانیان همیشه با احترام و وحشتی از (شاه بزرگ
» (در سارد) سخن گفته‌اند و حال آنکه این شاه بزرگ (؟)
» فقط یکی از ساتراپ‌های شاهنشاه ایران بود و سارد فقط
» مرکز ولایتی بشمار می‌آمد و هنگامیکه جنگ‌های
» داخلی یونان را بکلی تجزیه کرد و ایشان را آماده آن
» ساخت که از همسایگان خود اطلاعات مستقیم و درست
» بدست آورند . گزنفون و هردوت درباره ایرانیان مطالب
» تمجیدآمیزی نوشتند

» گزنفون در پژوهش‌یک شاهزاده ایرانی که کورش
» کوچک باشد نمونه و سرمشق تربیت اصولی و انسانی
» را تشخیص داده است یعنی آنچه یونانیان امروزه رشد
» سواسی می‌رسیدند خود بدان محتاج بودند

» نکته‌هایی که در کتاب‌های درسی اروپائی نوشته‌اند و
» مبتنی بر اینست که ایران کشوری ستمگر و وحشی بوده
» و در جنگ‌های ماراتن و سالامیس چراغ تمدن اروپا را
» خاموش کرده و مغرب زمین را در دوران تاریک جهل
» انداخته است واهی‌ترین افسانه تاریخی است که در
» همه ادوار حقیقت را مستور کرده و منشاء بسیاری از
» اشتباه‌های دیگر نیز شده است»

آنچه آوردیم اثر و نظریک دانشمند هنرشناس و محقق تاریخ است یعنی نوشته ایست از پرفسور پوپ که اثر جاودانی او قرن ها همانند و نظیر نخواهد داشت و تصور می کنم این نوشته پاسخی است به گفته های آقای دکتر گیرشمن که گویا پس از سالیان دراز اقامت در ایران هنوز سخت تحت تاثیر نوشته های کلاسیک و کتابهای درسی است که در اروپا خوانده بوده است.

آقای دکتر گیرشمن چگونه نتوانسته اند تصور کنند که شاهنشاهی عظیم هخامنشی که یونان خودیک ساتراپی آن را با وحشت و دهشت می نگریسته و شهربانی آنجا را پادشاه بزرگ میخوانده و میدانسته است چگونه میتواند باین چنین کشور بزرگ و ناشناخته فرهنگ و هنر بیاورد؟

این تنها آقای گیرشمن نیست که اصرار دارد به نحوی هنر دوره هخامنشی را مأخوذ از هنر یونان بداند متأسفانه کسان دیگری هم هستند که به عمد و ریا می کوشند هنر هخامنشی را مأخوذ از هنر آشوری و بابلی بحساب آورده اند همچنانکه گروهی دیگر هنر دوران پس از اسلام ایران را هنری مغولی (!) دانسته اند !!

بهر حال این گروه توجه ندارند که سومری های آریائی و کاسی های ایرانی نژاد، قرن ها پیش از اینکه دولت آشور و بابل بوجود آید دولت هائی بزرگ و باتمدن و فرهنگی عالی پدید آورده بودند. کاسی ها در هزار و هشتصد سال پیش از میلاد در سرزمین بین النهرین دولتی مقتدر تأسیس کردند و تاداره نیل پیش رفتند و آنچه در سرزمین بین النهرین و دره نیل از فرهنگ و هنر در قرن های بعدی می بینیم بازمانده ایست از هنر و فرهنگ این قوم آریائی نژاد. وانگهی این حقیقت روشن و ظاهرات که فرهنگ سومری فاتح بین النهرین و دره نیل است و در این حقیقت جای هیچگونه شك و بحث و گفتگو نیست.

در پاسخ آقای دکتر گیرشمن شایسته تر آنست که نوشته پرفسور پوپ را بیاوریم آنجا که میگوید^۷

۷- شاهکارهای هنر ایران ترجمه دکتر خالری ص ۲۴

مدتی معمول اهل فن آن بود که ظرافت نقش جانوران را در مهر های دوره هخامنشی به هنرمندان یونان نسبت بدهند . اما اکنون این خطا اصلاح شد . اوست بعضی از نقش های مهر ها که یونانی خوانده می شدند نمونه هنر هخامنشی شمرده می شوند . در واقع مهر سازان هخامنشی در تصویر جانوران هرگز رقیبی نداشته اند . حکاکی روی یک جعبه عاج از حیث موضوع و سبک با بهترین نقش مهر های هخامنشی برابر است . در این مجلس نقش آهو و شیر و گراز و خرگوش در حالات مختلف چنان با دقت و تعمق در صفات هر یک و توجه به مشکل و رفتار این جانوران تصویر شده است که از آن بهتر ممکن نیست تصور کرد .



پرفسور آرتور پوپ در این نظریه رسماً اعلام کرده است سبکی که به غلط واشتباه یونانی می خواندند امروز اصلاح شده و آن را نمونه هنر هخامنشی می دانند یعنی یونانی ها در حکاکی و مهر سازی مقلد هخامنشی ها بوده اند بهترین دلیل و سند بر بطلان گفته های آقای دکتر گیرشمن کشف یک مهر استوانه ای با جای آن که از طلا ساخته شده و زنجیری طلائی دارد که آنرا بگردن می آویخته اند در گنجینه زیویه است که از هنرهای سکائی هاست و این نمونه نشان میدهد که قرن ها پیش از پدید آمدن دولت هخامنشی آریائی های ایرانی در این هنر و فن سر آمد بوده اند .

راولینسن در کتاب «هفتمین پادشاهی شرق» ف. زاره آلمانی F. SARRE در کتاب صنایع ایران متذکرند که «... هنر و معماری هخامنشی یک هنر اصیل ایرانی است و بهیچوجه مقتبس از معماری مصر و آشور و بابل نیست» باید گفت بعضی از باستان شناسان اساساً توجه نکرده اند که معماری مصری و بابلی و آشوری و آسیای صغیر تقلیدی است از معماری سومری - کاسی - مادی - انشانی (بغلط ایلام !!) یعنی در بین النهرین و دره نیل .

خوشبختانه آثاری که در کاوش ها بدست آمده نفوذ فرهنگ و هنر سومری را در مصر نشان میدهد و جای هر گونه انکار و بحث و گفتگو را می بندد . بنابراین باید گفت که معماری مصری و بابلی و آشوری اصیل نبوده بلکه مأخوذ و متأثر از معماری اقوام آریائی سومری - کاسی - انشانی بوده است .

میدانیم که هخامنشی‌ها همان انشانی‌ها (ایلامی معمول) هستند بنابراین به پیروی از هنر اصیل خود با وسعتی بیشتر و استفاده از صنعت گران و وسایل موادی که می‌توانستند از اقصی نقاط شاهنشاهی پهناور خود بدست آورند همان سبک و هنر را در معماری بکار برند.

هنر معماری و حکاکی هخامنشی در واقع تکامل یافته هنر سومری و انشانی است که با هنر مادی و سکائی پیوند گرفته بوده است.

مگر نه اینست که ضبط «سارگن» و «هرودوت» عمارت هنگمتانه (همدان) از عجایب معماری جهان بشمار میرفته است و شهر همدان را می‌بایست کهن‌ترین شهرهای جهان خواند؟

مگر نه اینست که مادها ایرانی بودند؟

مگر نه اینست که هخامنشی‌ها و مادها خویشاوند بوده‌اند؟

مگر نه اینست که ساختمانها و معابد و هنر مجسمه‌سازی و حجاری سومریها و انشائی‌ها ماقبل از هنر سنگ تراشی مصری و آشوری و بابلی است؟

مگر نه اینست که سومریها و انشائی‌ها اجداد هخامنشی‌ها بوده‌اند؟ و این دو، همسایه و دو طایفه از یک نژاد هستند؟

مگر نه اینست که انشائی‌ها اجداد هخامنشی‌ها هستند زیرا داریوش بزرگ خود این واقعیت را متصرف است؛ با اینهمه، پس، چرا باید گفت که هخامنشی‌ها از هنر مصریها و بابلی‌ها و آشوری‌ها ملهم شده‌اند؟

آیا این یک مغلظه و قضاوتی سطحی و دوراز واقع و حقیقت و انصاف نیست؟

نشان‌ها را برای چه منظوری می‌ساخته‌اند

پادشاهان ایران از کهن‌ترین دوران و سیله مهرهای استوانه‌ای فرمانهای صادر می‌کردند و نشان‌هایی نیز برای اموری خاص داشته‌اند.

متأسفانه از آثار محفوظ دوران هخامنشی‌ها دربارهٔ چگونگی استعمال و بکار بردن این مهرها اثری بدست نیست لیکن در آثار دوران پس از اسلام که مطالب تاریخی اینگونه نوشته‌ها با استفاده از ترجمه متون پهلوی ساسانی و

اشکانی بوده است مطالبی جسته و گریخته دیده می شود که میتوان از آنها به موارد مصرف این نشانی ها پی برد .

مسعودی در مروج الذهب^۸ درباره مهرهای شهریاران ایران می نویسد انوشیروان چهارمهر داشت بدین شرح

۱- مهر باژ - نگین آن عقیق بود و بر آن واژه (داد) را حکاکی کرده بودند

مهر زمین های دولتی: نگین آن فیروزه بود و بر آن (آبادانی) نقش شده بود

۳- مهر شهر بکی (محتسبی) نگینش از یاقوت کحلی و نقشش (درنگ) بود.

۴- مهر برید: نگین آن یاقوت سرخ و نقشش «شتاب» بود^۹ همچنین در-

باره مهرهای خسرو پرویز که برای امور زیر بکار میرفته یاد کرده است:

۱- مهر برای نامه ها و فرمان ۲- مهر برای یادآوری ها ۳- مهر برای

چاپارخانه ها ۴- برای برات ها و نامه های بخشودگی گناهکاران ۵- مهر برای

گنجینه های شاهی و انبارهای لباس و زیورها و عطرها ۶- مهر برای فرمان قتل

و مهر کردن کردن محکومان ۷- مهر برای پاسخ نامه پادشاهان - کریستن سن

دانمارکی مینویسد^{۱۰} که پنج مهر بوده که یکی برای جنائی بکار میرفته است.

بلاذری در فتوح البلدان^{۱۱} به نقل از ابن مقفع پارسی مینویسد كان لملك من

ملوك فارس، خاتم للمرو و خاتم للرسل و خاتم للتخليد به الجلات و الاقطاعات و

ما اشته ذلك من كتب التشریف و خاتم للخراج» با این ترتیب برای نامه های رمزی

و برای نامه های عادی و برای دبیرخانه شاهی و برای بخشودن املاک و القاب و

(و این دو کلمه را نفهمیدم) براج باب هم مهرهائی بکار می رفته است.

در آغاز اسلام خلفای اموی به تقلید از پادشاهان ساسانی به ترتیب دادن

دیوان مهر پرداختند. بلاذری به نقل از مدائنی^{۱۲} می نویسد «نخستین کس از

اعراب که به تقلید ایرانیان برای خود ایوان و زمام و خاتم، فراهم کرد زیاد بن

ابوسفیان بود الفخری در آداب السلطانیه می نویسد^{۱۳} که در زمان معاویه به تقلید

۸- ج ۱ ص ۶۶۶ چاپ قاهره سال ۱۳۱۰ ق

۹- مروج الذهب ج ۲ ص ۲۳۰ ۱۰- ۳۸۸ ص ۱۱- ۴۶۴

۱۲- فتوح البلدان ص ۴۶۴ ۱۳- ۱۳۰ ص

از دولت ساسانیان دیوان زمام و خاتم تشکیل گردید و این دیوان به ضبط و ثبت فرمانهای که از طرف خلیفه صادر می شد می پرداخت و کارش این چنین بود که فرمان خلیفه را پیش از صدور باین دیوان می آوردند و نسخه ای از آن را با فتح و موم مهر و موم می کردند و پس از اینکه رئیس دیوان آنرا مهر می کرد آن نسخه را در دیوان زمام و خاتم نگاه می داشتند.

بلاذری می نویسد: به تقلید ایرانیان یکی از دبیران رانام (صاحب الزمام) متصدی مهرهای پادشاه می کردند. و این مقام در واقع همان مقام مهر دار پادشاهی ایرانیان بوده است.

این رویه در دوره پس از اسلام در دستگاه شاهنشاهی ایران چه در دوره دیلمیان و سامانیان و صفاریان و غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان و چه پس از حمله مغول هم معمول و متداول بوده است. **مهر دار سلطنتی** مقام ارجمندی بوده است. امیر علی شیر نوائی در دوره سلطان حسین میرزا بایقرا مدتها سمت مهر داری را داشته است.

در کتابخانه ملی ملك ترسلی به شماره ۶۲۹۳ ثبت است که باب اول آن درباره مهرهای دربار صفویان و موارد استعمال آنست بدین شرح:

۱- مهر داد و ستد - مهر نشان - مهر رقم خلعت - مهر کوچک - مهر ختم مهر مسوده - مهر انافتحنا - مهر ثبت - مهر همایون شرف نفاذ یافت - مهری که در جلوس مبارك ابداع شد.

محتویات هر مهر به تفصیل در این ترسلی آمده و ضمناً نوشته شده است که هر يك از این مهرها را به چه گونه نامه ای بایستی بزنند و کجای نامه ها باید مهر شود.

خطوط مهرهای استوانه ای و نشانها

مهرهای استوانه ای غالباً دارای خط است، برخی از خطوطی که در این مهر و نشانها بکار رفته خاصه آنها که متعلق بدوران قبل از هخامنشیان است دارای خطوط نقشی و علائمی (ادئوگرام) است و تا کنون خواننده نشده اند و یکی از

ارزنده ترین کارهایی که بایست وسیله انجمن ایران شناسان جهانی توصیه و ترغیب شود، خواندن این خطوط وسیله محققان و دانشمندان خط شناس است. از دوران هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان نیز مهرهای استوانه ای و نشان‌هایی در دست داریم که خطوط آنها جز خط پیکانی است^{۱۴}.

بنوشته ابو عبداله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی ایرانیان برای نوشته هایشان هفت گونه خط بکار می برده اند^{۱۵} بدین شرح:

۱- داد دبیره : برای نوشتن فرمان‌ها

۲- شهر هماره دبیره: برای نوشتن دفترهای حسابهای شهرها

۳- کده هماره دبیره: برای نوشتن حسابهای دربار

۴- گنج هماره دبیره : برای نوشتن دفتر خزانها

۵- آهور هماره دبیره : برای نگاهداری حساب آخورها

۶- آتشان هماره دبیره : برای نوشتن حساب آتشکده ها

۷- روانکان هماره دبیره: برای نوشتن حساب اوقاف

علاوه بر این هفت خط ما چند گونه خط دیگر نیز می شناسیم از جمله راز دبیره- واسف دبیره- گشته دبیره- نیم گشته دبیره- آم دبیره - و بدیهی است اینگونه خطوط بر روی مهرهای استوانه ای و نشان‌ها به مناسبتی که هر یک داشته اند نوشته می شده است و این نکته خواندن آنها را دچار سختی و اشکال می کند.

۱۴- درباره خط میخی و نام این خط لازم است یاد آور شود که انگلرت کمپفر Nngelbert Kampfes آلمانی که از جانب پادشاه سوئد منشی گری هیئات سیاسی و بازرگانی سوئدی را داشت بین سال‌های ۱۶۸۵-۱۶۸۶ به تخت جمشید رفت و از کتیبه‌های آنجا در نوشت برداشت و اوست که این خط را Litteraf Cvneatse خواند که خط میخی باشد. در حالیکه این خط را ایرانیان بنوشته کوه بیستون (دی بی) مینامیده اند. و بهتر است آنرا دی بی و یا خط پیکانی بنامیم و بخوانیم.

۱۵- مفاتیح العلوم ص ۱۱۸ چاپ اروپا.

یاقوت در معجم البلدان^{۱۶} مینویسد: در ناحیه شاهپور در زمان ساسانیان محل درس و تحریر و تألیف علوم بوده است و بقول یاقوت گشته دفتران (گشته دبیران) در آنجا سکونت داشتند و آنها خط گشتک دبیره (کتاب الجستق) را میخوانده و می نوشته اند و این خط بگفته او برای کتابهای طب و نجوم بوده است.

این ندیم در الفهرست مینویسد^{۱۷} (به نقل از ابن مقفع) در خط بوده یکی گشتک دبیره و دیگری نیم گشتک دبیره. خط گشتک دبیره (۲۸) حرف داشته و برای نوشتن فرمانها و نامه های رسمی و جمع مهره ها و نقش و نگار پارچه ها فرشها و روی سکه ها بکار میرفته و نیم گشتک نیز ۲۸ حرف داشته و برای کتابهای طب و فلسفه اختصاص داشته است.

ابن الفقیه نیز می گوید که همدان بر سینه کوه سنگ نوشته هائی است که با خط گشتک دبیره نوشته شده است.

بنابراین باید گفت خطوط مهره های استوانه ای و نشان ها بنابه گفته ابن مقفع خط گشتک دبیره است و بعضی که متعلق به دوره هخامنشی است بخط آم دبیره باید باشد.

آثاری که درباره مهره های استوانه ای نوشته شده است

تا آنجا که این بنده نویسنده اطبح دارد آثار زیر تا کنون مستقلا درباره مهره های استوانه ای نوشته شده است و در هر يك تعدادی مهر استوانه ای معرفی شده است.

- ۱- مهره های استوانه ای تألیف دکتر فرانگفرت.
- ۲- مهره های خاورمیانه اثر بانو ادیث پورادا
- ۳- مهره های آسیای غربی درباره معرفی مهره های استوانه ای موزه بریتانیا
- ۴- مهره های مشرق اتردولاپورت
- ۵- در کتاب تخت جمشید شادروان دکتر اسمیت بحثی مستقل در این باره دارد.

۱۶- ص ۳۵۰.

۱۷- ص ۱۳.

۶- شادروان پوپ در جلد هفتم کتاب نظری به هنرهای ایران در این باره بحثی سودمند کرده است.

۷-ب. دورن در سال ۱۸۸۱ تحت عنوان (کوشش در تفسیر يك نوشته خط پهلوی که بر روی يك مهر سنگی متعلق به کنت، س، استروگالف حکاکی شده است) شرحی نوشته که در همان سال در سنت پترزبورگ چاپ شده است

۸- نوشته‌ای درباره مهرهای اعراب و ایرانیان و ترکان تألیف یوزف هامرپورگستال- چاپ وین سال ۱۸۴۹

۹- مهرهای ساسانی- باشش لوحه ویک نمونه چاپی از خطوط آنها که توسط پولیوس اوتینگ تهیه شده است تألیف پاول هرن و گئورگ شنایندرف- چاپ برلین ۱۸۹۱

۱۰- نقوش مهرهای پارتها در نسا- تألیف م. ماسن که در مجله گزارشهای کهن بسال ۱۹۵۴ در مسکو بچاپ رسیده است.

موزه‌هایی که مجموعه‌هایی از مهره‌های استوانه‌ای دارند

۱- در موزه آرمیتاژ (لنین گراد) مهره‌های استوانه‌ای که روی سنک عقیق و دیگر اجزای کریمه حکاکی شده‌اند هست که متعلق بدوران ساسانی است و دو مهر مادر خسرو پرویز و مهری از داریوش نیز در این موزه هست.

۲- مجموعه سنگها و انگشتری‌ها (نشان‌ها) حکاکی شده در موزه آرمیتاژ - باید گفت مجموعه این موزه در نوع خود کم نظیر است. آثار این مجموعه در کتاب ایران در نخستین دوران پادشاهان ساسانی تألیف و. ک. لوکونین چاپ مسکو ۱۹۶۱ بچاپ رسیده است و همچنین در کتاب یادگارهای تمدن ساسانی تألیف ر. و. کنیژالوف و. و. ک. ک. لوکونین که بسال ۱۹۶۰ در مسکو بچاپ رسیده به تفصیل شرح داده شده‌اند.

۳- در موزه هنرهای زیبای آ. اس پوشکینی مسکو. در این موزه مجموعه‌هایی از مهرهای استوانه‌ای دوره هخامنشی و ساسانی

موجود است که بهترین آن مهر استوانه‌ای اردشیر درازدست است. این مهر در شهر کرج در شبه جزیره کریمه بدست آمده است.

۴- کتابخانه دانشگاه ارلانگن Erlangen برلین، این کتابخانه دارای مجموعه نفیسی از مهرهای استوانه‌ای است که مشخصات آنها در فهرست شماره ۵۴ این کتابخانه آمده است.

۵- موزه برلین- در شعبه موزه هنرهای دستی. مجموعه‌ای از مهرهای استوانه‌ای دوران ساسانی دارد.

۶- موزه بریتانیا مجموعه‌ای نفیس از مهرهای استوانه‌ای دارد که بیشتر آن مربوط به آشور و بابل و تعدادی سومری و ایرانی است.

۷- موزه لوور نیز تعدادی مهر استوانه‌ای ایرانی دارد.

۸- موزه ایران باستان نیز تعدادی مهر استوانه‌ای و نشان دارد.

۹- در آمریکا چند موزه دارای مهرهای استوانه‌ای هستند.

۱۰- از مجموعه‌داران خارجی مجموعه پیرون مورگان رامی‌شناسم و در ایران مجموعه آقای دکتر نیری قابل توجه است.

بدیهی است این فهرست نمیتواند فهرست کامل مجموعه‌های مهرهای استوانه‌ای باشد و قطعاً مجموعه‌هایی وجود دارد که این بنده نویسنده از آنها بی‌اطلاع است.

هنر حکاکی و نقاری

هنر حکاکی و نقاری را به استناد مهرهای استوانه‌ای و نشان‌هایی که تا کنون بدست آمده است باید از هنرهای بدیع و اختصاصی اقوام آریائی دانست که سامی‌ها این هنر را از آنها تقلید و اقتباس کرده‌اند و وسیله ملل سامی (فینیقی‌ها) به یونان راه یافته است و چون ملل دیگر مقلد بوده‌اند به همین علت و سبب نتوانسته‌اند هم پایه و همانند ملت مبدع و مبتکر که خلاق این ذوق و هنر بوده است راه ترقی و تکامل یابند.

مهرهای استوانه‌ای و نشان‌ها و نگین‌های سومری که معروف به **فیل گمشی** است از بدایع هنر حکاکی و نقاری است که مصری‌ها از آنها اقتباس کرده‌اند و این موضوع را ویل دورانت در تاریخش به تفصیل بیان کرده است.

مهرهای اورارتوئی و مننائی و هخامنشی نیز از نظر ظرافت در حکاکی در حد اعلائی زیبایی است بخصوص مهرهای هخامنشی که دارای بعد سوم هستند و این بعد بطور وضوح و روشنی پس از اینکه در روی موم و یا پلاستیک منعکس و برگردان میشوند دیده میشود و گاه هنرمندان ایرانی با اعمال ذوق و قریحت خاص خود در انتخاب سنگها - عقیق‌های دورنگ را برای کار خود انتخاب کرده‌اند و صورت‌های مورد نظر خود را بطور برجسته در روی رنگ عقیقی که در سطح قرار داشته حکاکی و می‌تراشیده‌اند و رنگ دوم عقیق را که در زیر قرار داشته است متن و سطح صورت حکاکی قرار میداده‌اند و اینگونه حکاکی‌ها چنین بنظر می‌رسد که صورتی را تراشیده و بر روی عقیق رنگی نصب کرده‌اند؛ و این یکی از بدیع‌ترین روش حکاکی بوده است

مهرهای استوانه‌ای و نشان‌های مجموعه نویسنده .

مجموعه مهرهای ناچیز این بنده شامل سه قسمت است .

۱ - مهرهای استوانه‌ای که رویهمرفته ۶۳۵ قطعه است و از هزاره هشتم پیش از میلاد تا دوران ساسانی را شامل میگردد .

در این قسمت از مهرهای کلی و فلزی و انواع عقیق و یاقوت لاژورد - فیروزه عاج - زمرد - سیلان - لعل - قان داش - سنگ نقره و سنگ حدید و چشم گربه دیده میشود .

۲ - نشان‌ها که دارای انواع شکل‌ها هستند و آنها نیز از هزاره هفتم پیش از میلاد تا نشان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی را شامل میگردد و رویهمرفته تا این تاریخ ۵۴۷ قطعه را شامل میشود. نشان‌ها اغلب عقیق و انواع سنگهای دیگر هستند .

۳ - نکین‌های انگشتی که از انواع عقیق - یاقوت - زمرد - لعل - یاقوت کبود و یاقوت سفید و زرد و لآزورد هستند و از اواسط هزاره اول تا آخرین پادشاه ساسانی را شامل می‌کند در این قسمت بیشتر نکین‌ها متعلق به دوره اشکانی است و روپهم رفته تا این تاریخ ۲۴۳ قطعه جمع آوری شده است. بطور کلی مجموعه ناچیز این بنده بر روپهم و مجموعاً ۱۴۲۵ قطعه است که نمونه‌هایی از آن از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد و در اینجا ناگزیر است که مختصر توضیحی دهد.

متأسفانه برای عکس برداری از مهرهای استوانه‌ای و سائل کافی در اختیار نداشت و با اینکه سه بار اقدام به عکس برداری شده است معیناً هر بار از صدها عکس که تهیه می‌شد تعداد ناچیزی از آن قابل استفاده بود و عکس دلخواه بدست نیامده است. عکس برداری از اینگونه اشیاء خرد و کوچک دوربین و عدسی‌های خاصی می‌خواهد که در دسترس این بنده نویسنده نبود و بناچار از پانصد قطعه عکس تعداد ۸۸۱ قطعه انتخاب و در اینجا بمرض ملاحظه و مطالعه خواستاران آن قرار داده می‌شود.

بطوریکه قبلاً یاد آور شد هنوز مطالعه و تحقیق کامل در روی مهرهای استوانه‌ای انجام نگرفته است در حالیکه بزعم این بنده نویسنده این رشته خود می‌تواند رشته مستقلی در تاریخ و تحقیق باستان‌شناسی باشد و جادارد که توجه و علاقه باستان‌شناسان را صمیمانه باین رشته عظیم و سرشار از اسناد و اطلاعات دست اول جلب کرد و بخصوص توجه کنگره جهان ایران‌شناسان را به آن معطوف میدارد تا از این پس با توجه و عنایت باین رشته صاحب نظران و محققان با مطالعه و پژوهش در روی مهرهای استوانه‌ای و نشان‌ها بتوانند اطلاعات سودمند و نئی قیمتی که در دل این اسناد نهفته است آشکار ساخته و در اختیار اهل علم و هنر قرار دهند.

پیش از ارائه و توضیح عکس‌های مجموعه خود نخست عکس دو قطعه مهر استوانه‌ای را که یکی متعلق به موزه ایران باستان و طبق رأی صاحب نظران متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد است (عکس شماره يك) و دیگری

مهر استوانه‌ای که متعلق به مجموعه پیرپون مورگان است و آن را متعلق به دوران هخامنشیان دانسته‌است (عکس شماره ۲) می‌آورم تا با توجه‌باین دو نمونه نسبت به توضیحاتی که درباره مهرهای استوانه‌ای مجموعه خود میدهد معیاری در دست باشد.

چون دراین مقالت قصد نویسنده نشان دادن سیر تکاملی وادواری هنر حکاکی مهرهای استوانه‌ای نیست و تنها نظر معرفی وارائه نمونه هائی از مهرهای استوانه‌ای است بنابراین ضمن ارائه نمونه‌هائی به استناد اینکه هر مهر از چه‌محللی بدست آمده است از روی حدس و گمان وظن. نظراتی داده میشود و بدیهی است این نظرات بهیچوجه نمی‌تواند صددر صد قابل قبول باشد.

عکس شماره ۳ - آنوبانی‌نی باملکه ایشتار که از لرستان بدست آمده است متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد. این مهر استوانه‌ای خط دارد و این خط را خط شناسان بنام (پروتوآلامی) خوانده‌اند و آن را مادر خط پیکانی دانسته‌اند.

عکس شماره ۴ - آنوبانی‌نی (ظ) با همان گونه خط بدست آمده از لرستان
 عکس شماره ۵ آنوبانی‌نی (ظ) « « « «
 عکس شماره ۶ « باملکه ایشتار « « « «
 عکس شماره ۷ « « « « « « « «
 عکس شماره ۸ « « « « « « « « کردستان

عکس شماره ۹ اورارتو با خط بدست آمده از آذربایجان

عکس شماره ۱۰ بدست آمده از لرستان - زیویه (۴)

عکس شماره ۱۱ « « « «

عکس شماره ۱۲ - آکاد (۴) سومر (۴) با خطی که مادر خط میخی است

عکس شماره ۱۳ مهر استوانه‌ای آکاد (۴) سومر (۴) با خطی که مادر خط

میخی است

«	«	«	«	«	عکس شماره ۱۴
«	«	«	«	«	عکس شماره ۱۵
«	«	«	«	«	عکس شماره ۱۶

مهرهای استوانه‌ای که اینک معرفی میشوند از همدان و لرستان بدست آمده‌اند و دارای خط نیز میباشند پوشاک آنها هم شباهتی به پوشاک دوران هخامنشی‌ها دارد و به سکاکی‌ها مانند است. چون خطوط این مهرها و چگونگی آنها برنویسنده مجهول است نمیتواند تعلق آنها را به قومی خاص عنوان کند امکان دارد این مهرها متعلق به مادها هم باشد. زیرا در این دسته از مهرها پوشاک آنها به مادی‌ها هم مانند است.

عکس شماره ۱۷ - شاهی را نشان میدهد که وسیله کمان بکار مشغول است عکس این مهر دوبرابر شده است و پوشاک شاه به مردم پارت شباهت دارد. عکس شماره ۱۸ - مهری است با خط که شخصی ایستاده در طرف چپ کلاه مادی بر سر دارد این مهر مخطوط است.

عکس شماره ۱۹ - شخصیتی که در طرف چپ دیده میشود کلاه مردم ماد بر سر دارد و شخص ایستاده در سمت راست که قربانی بدست دارد کلاه مهریان یا (مغان) از بر سر دارد.

عکس شماره ۲۰ - با همان پوشاک و قربانی در قربانگاه عکس شماره ۲۱ - با همان پوشاک و آتشدان «آدریان» و یک علامت ریاضی در بالای آدریان و کتیبه ی بخط نا شناخته

عکس شماره ۲۲ - با همان پوشاک و نشان اتحاد و پیمان که از علائم و نشان‌های خاص مهریان است که بعدها اشکانیان و ساسانیان این نقش را در کتیبه‌ها و حجاری‌های خود بسیار بکار برده‌اند این مهر استوانه‌ای قدمتش به پیش از هخامنشیان میرسد و با مهرهای شماره ۲۳ و ۲۴ - قدمتش از مهرهای شماره (۲۳ و ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸) بیشتر است و به همین لحاظ برای مطالعه و تحقیق ارزشی فوق‌العاده دارند.

عکس شماره ۲۴ - باهمان پوشاك و نشان مهری
عکس شماره ۲۵ - باهمان پوشاك در برابر آتشدان و اسب و خورشید و
ماه که بدیهی است هر يك از این نقوش مفهـوم خاصی داد و نماینده (سمبول)
مطلب و موضوعی است .

عکس شماره ۲۶ - باهمان پوشاك و کتیبه‌ای باخط ناشناس که شاه در برابر
حیوان افسانه‌ای ایستاده - همان نقش که تکامل یافته آن بعدها در نقوش برجسته
تخت جمشید حجاری شده است.

عکس شماره ۲۷ - دو حیوان افسانه‌ای متعلق به زمان این دسته از مهرها
عکس شماره ۲۸ - پادشاه در شکار گاه بز کوهی را باتیر زده است
عکس شماره ۲۹ - در این مهر پادشاه باملکه دیده میشود و در این مهر نیز
نوشته‌ایست که خط آن بر نویسنده مجهول و ناشناخت است .

عکس شماره ۳۰ - صورت حکاک‌کی شده در این مهر استوانه‌ای همانند
مجلسی است که در یک اثر بدست آمده (نوار طلا) از زیویه هم دیده میشود
عکس شماره ۳۱ - پادشاهی را نشان می‌دهد که برای او قربانی آورده‌اند
و یا اینکه پادشاه میخواهد قربانی تقدیم دارد. آنچه قابل توجه است اینکه این
قربانی دارای صورت انسان و بدن حیوان است (۱۴) و هم چنین چند علامت دیده
میشود که بظن قریب به یقین خطاست.

عکس شماره ۳۲ - حیوان هائی دیده میشوند که سری شبیه بانسان دارند
آنهم با آرایش گیسوی مادی - ارزش و اهمیت این مهر استوانه‌ای و نظایر آن
نشان میدهد که حجاری‌های تخت جمشید متأثر از هنر حکاک‌کی آثار دوران
مار بوده است .

عکس شماره ۳۳ - مهر دیگری از همان نقش است.
عکس شماره ۳۴ - پادشاهی است در حال جدال با حیوانات افسانه‌ای و
دو گل معروف آریائی نیز در نقش حکاک‌کی شده‌اند.

عکس شماره ۳۵ - پادشاهی را در جدال با حیوانات افسانه‌ای نشان میدهد

عکس شماره ۳۶ - پادشاه با کلاه مادی در جدال با حیوانات افسانه‌ای
عکس شماره ۳۷ - پادشاه شلاقی در دست‌داری و شاخ‌های گوزنی را گرفته
و اورا اسیر ساخته است

عکس شماره ۳۸ - نقش این استوانه بنظر میرسد که مهر با گردونه‌اش
باشد و نقش ماهی نیز میتواند مؤید این نظر باشد نظیر این مهر استوانه‌ای تا کنون
دید شده است .

عکس شماره ۳۹ - پادشاه و حیوانات افسانه‌ای

عکس شماره ۴۰ - پادشاه و ملکه . تزینیات صندلی‌ها و لباسهای بانوان و
هدایائی که آورده‌اند قابل توجه و مطالعه است . ملکه شاخه گلی به شاه تقدیم
میکند و ندیمه‌ها تنگ شراب و خوردنی همراه آورده‌اند

عکس شماره ۴۱ - پادشاه مادی در جدال با حیوانات افسانه‌ای
آنچه قابل توجه است اینکه در این صورت نقوش حیوانات با صورت انسان
نموده شده‌اند .

عکس شماره ۴۲ - لوحی است بخط میخی (مادی‌ظ) بنظر میرسد که این مهر
متعلق به زمانی است که اجداد کورش در انشان سلطنت میکردند البته این
گمان است و تازمانیکه لوح خوانده نشود نمیتوان نظر قطعی داد
عکس شماره ۴۳ - حیوانات بالدار با کلاه‌های شیاردار هخامنشی متعلق
به دوره انشان

عکس شماره ۴۴ - این همان نقشی است که از کورش در دشت مرغاب
برجاست و بنظر میرسد این نقش هم از کورش بزرگ باشد

عکس شماره ۴۵ - یک پادشاه هخامنشی (ظ. چیش‌پش) در دوره انزان -
بطوریکه ملاحظه میشود در این زمان هنوز نقش فروهر - صورت آدمی ندارد .

عکس شماره ۴۶ - یکی از پادشاهان هخامنشی با گردونه در شکار شیر
نظیر این مهر استوانه‌ای متعلق بداریوش بزرگ در دست است .

عکس شماره ۴۷- مهر استوانه‌ای متعلق به دوره هخامنشی انسانی است که بال دارد. همانند نقش کورش بزرگ

عکس ۴۸ - جدال شاه هخامنشی با حیوان افسانه‌ای، این همان نقشی است که در تخت جمشید نیز هست و در اینجا نشان فروهر صورت آدمی ندارد و به همین دلیل متعلق است به قبل از زمان داریوش بزرگ (عکس این مهر چهار برابر بزرگ شده است و در شماره آینده مجله چاپ خواهد)

عکس ۴۹ - جدال یک پادشاه هخامنشی با حیوان افسانه‌ای این مهر به زمان پیش از داریوش تعلق دارد (عکس ده برابر بزرگتر از اصل است)

عکس ۵۰ - پادشاه هخامنشی قوچی را شکار کرده است.
(این عکس ۵ برابر بزرگتر از اصل است)

عکس ۵۱ - پادشاهی است که برای او بال گذاشته‌اند در جدال با حیوان افسانه‌ای و متعلق به دوره قبل از داریوش است.

عکس شماره ۵۲ - این مهر استوانه‌ای نیز متعلق به دوره هخامنشی است.

عکس شماره ۵۳ - پادشاه هخامنشی در حال نیایش - قبل از داریوش بزرگ

عکس شماره ۵۴ - مهر استوانه‌ای دیگر - متعلق به دوره هخامنشی

عکس شماره ۵۵ - «گاه‌نامه انسانی» «طالع فرشی»

عکس شماره ۵۶ - مهر استوانه‌ای با کتیبه میخی متعلق به دوره قبل از داریوش

عکس شماره ۵۷ - پادشاه هخامنشی در حال نیایش است و اسبی بالدار نیز

در حالت نیایش است. این مهر متعلق به دوره انشان (انزان) است.

عکس شماره ۵۸ - پادشاه هخامنشی قوچی را گرفته و در دست راستش

شلاقی دیده میشود. نقش ماه و خورشید (گردونه خورشید) در این مهر دیده میشود.

عکس شماره ۵۹ - پادشاه (احتمالا داریوش) در شکار گاه

عکس شماره ۶۰ - مهر استوانه‌ای متعلق به دوره انزان

عکس شماره ۶۱ - شاه هخامنشی در حال نیایش و بابال در حال جدال با حیوان افسانه‌ای

عکس شماره ۶۲ - پادشاه هخامنشی بابال در حال جدال با حیوان افسانه‌ای این مهر متعلق به زمان خشایارشا است. در زیر فروهر علامت خاج (صلیب) دیده میشود که نشان آریائی است

عکس شماره ۶۳ - شاه هخامنشی در حال نیایش
عکس شماره ۶۴ - شاه هخامنشی بر روی صندلی سلطنتی نشسته و در برابر آدریان نیایش می کند (ظن داریوش بزرگ) این عکس پنج برابر از اصل بزرگتر شده است.

عکس شماره ۶۵ - داریوش بزرگ (ظ - یاخشار یارشا) با کتیبه
عکس شماره ۶۶ - یکی از پادشاهان هخامنشی (ظ - داریوش) با کتیبه در حالیکه پادشاهی در برابر اوزانو بر زمین زده است در سمت چپ اصل مهر استوانه‌ای که از عقیق است دیده میشود این یکی از مهرهای استوانه‌ای بی نظیر است عکس این مهر پنج برابر بزرگتر از اصل است.

عکس شماره ۶۷ - یکی از پادشاهان هخامنشی (بظن - خشایارشا) با کتیبه پادشاهی در برابرش زانو زده است.

عکس شماره ۶۸ - پادشاهی از پادشاهان هخامنشی با کتیبه.

عکس شماره ۶۹ - یکی دیگر از پادشاهان هخامنشی با کتیبه.

عکس شماره ۷۰ - یکی از پادشاهان هخامنشی گاوی را گرفته است متعلق به دورهٔ انشان (آلام مجهول)

عکس شماره ۷۱ - یکی از پادشاهان هخامنشی که در برابرش قوچی را برای قربانی آماده می کنند. در این مهر استوانه‌ای نقش فروهر بسیار جالب است زیرا در روی دو بال فروهر دو صورت کوچک آدمی نیز دیده میشود و در زیر فروهر نقشی از افلاک است.

عکس شماره ۷۲ - پادشاه هخامنشی (ظ. داریوش) با کتیبه به خط میخی
عکس شماره ۷۳ - این مهر استوانه‌ای نیز متعلق به دوره هخامنشی است و
یکی از مهرهای بدیع و نادر است در اینجا مهر صورت مرغ وارغن که در اوستا
از او یاد شده و بعد بنام سیمرغ خوانده‌اند دیده میشود که شخصی بر او سوار
است و تاجی از گل بر سر گرفته و در حال پرواز است. درخت زندگی نیز در
این مهر دیده میشود.

عکس شماره ۷۴ - این مهر نیز یکی از مهرهای کم نظیر است. در طرف چپ
شاه هخامنشی در حال نیایش است و در سمت راست انسانی است که با بال و
بصورت مرغان در حال پرواز است. نقشی که در زیر فروهر است قابل مطالعه و
تحقیق است.

اینک نمونه‌ای چند از نشان‌ها

عکس شماره ۷۵ - نشانی است از دوران هخامنشی که نام صاحب نشان در
طرف راست به خط میخی نقر شده است. اصل نشان از یاقوت کبود است. (این
عکس سه برابر بزرگ شده است)

عکس شماره ۷۶ - اصل این نشان از عقیق است. صورت پادشاهی است که
نام او در اطراف سرش نوشته شده. این نشان دو برابر بزرگ شده است.

عکس شماره ۷۷ - صورت گوزنی است که شیری او را پی کرده است این نشان
علامت خانوادگی یکی از دودمان‌های بزرگ ایران بوده است نام صاحب
این نشان نیز بوضوح نوشته شده است.

عکس شماره ۷۸ - در این عکس دو نشان دیده میشود. سمت چپ گوزنی
است که شیری او را پی می‌کند و نام دارنده نشان هم نوشته شده و در سمت راست
قوچی است بالدار که با کره‌اش می‌برد و نام صاحب نشان هم نوشته شده است
(عکس این نشان‌ها دو برابر از اصل بزرگتر است)

عکس شماره ۷۹ - در این عکس نیز دو نشان دیده میشود. نشان بالا صورت

پادشاهی است که نامش در اطراف صورت نقر شده است و در زیر نشانی است هخامنشی که در روی یا قوت سرخ کنده شده و نام صاحب نشان نیز نقر گردیده است. عکس شماره ۸۰ - در این عکس نیز دو نشان دیده میشود نشان سمت چپ سواری است که با شیری جدال میکند و نام صاحب نشان نیز نقر گردیده - سمت راست. شتری است که نام صاحبزین نشان که (شترزرد) علامت ویانام خانوادگی او بوده است نقر گردیده است.

عکس شماره ۸۱ - در این عکس نیز دو نشان دیده میشود. سمت چپ نشانی است از زمان هخامنشی ها - نام صاحب نشان نیز نقر گردیده و در سمت راست دو قوچ دیده میشود این نشان نیز از شاهکارهای هنر حکاکی دوره هخامنشی است. عکس شماره ۸۲ - در این عکس دو نشان دیده میشود. سمت چپ دو حیوان است که یکی شیر و دیگری افسانه ای است و نام صاحب نشان نیز نقر گردیده است. سمت راست صورت گاوی است که بدو خط نام صاحب نشان نقر گردیده است. عکس شماره ۸۳ - در این عکس نیز دو نشان دیده میشود. سمت چپ صورت یکی از پادشاهان اشکانی است که نامش نیز نقر گردیده اصل نشان برای عقیق سرخ عالی است.

سمت راست صورت گاوی است بازنگوله.

عکس شماره ۸۴ - سمت چپ صورت پادشاهی است (ظ. اشکانی) که نام او در اطراف سرش نقر گردیده است.

سمت راست گوزنی است در حال پرش - نام دارنده نشان نیز نقر گردیده است.

عکس شماره ۸۵ - گوزنی در نهایت ظرافت و زیبایی حکاکی و تقاری شده

است در حال چریدن - نام دارنده نشان نیز نقر گردیده است (عکس این نشان سه برابر بزرگ شده است)

عکس شماره ۸۶- سمت چپ حیوانی است افسانه‌ای که نام صاحب نشان نیز نقر گردیده است .

سمت راست شیری است در حال غریدن (شیراوژن) نام صاحب نشان نیز نقر گردیده است .

عکس شماره ۸۷- اصل نشان بر روی عقیق دانه اناری است که عقیقی گرانبهاست . صورت پادشاه ولیعهد است .

عکس شماره ۸۸- گوزنی است بالدار در حال پرواز- نام صاحب نشان نیز حکاکی شده است.

عکس شماره ۸۹- حیوانی است افسانه‌ای با نام صاحب نشان عکس شماره ۹۰- صورت گاوی است که نام دارنده نشان را نیز حکاکی کرده‌اند .

عکس مهره‌های استوانه شماره ۹۲-۱۰۰ بدوران هخامنشی هاتعلق دارند. در دوران باستان نقوش حیوانات افسانه‌ای بمعنی ومفهوم خاصی نقش می شده است برای مطالعه در معتقدات وتفکرات اقوام باستانی اینگونه نقوش کمال اهمیت وارزش را دارند

اینگونه مهرهای استوانه‌ای برای باز شناخت مفاهیم آنها بسیار گرانقدراند در اینجا عکس نمونه‌هایی از این قبیل مهرهای استوانه ای از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد وعکسهای شماره ۱۰۱-۱۱۲

عکس شماره ۱۱۳ مهر استوانه ایست که در واقع لوحی است بخط پیکانی پارسی .

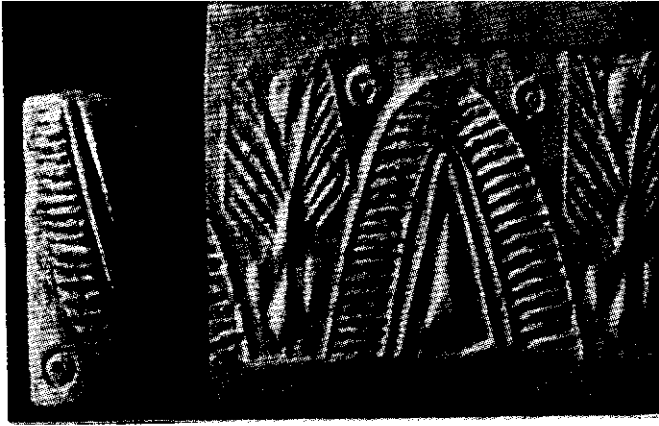
عکسهای از شماره ۱۱۴-۱۱۹ - مهرهای استوانه ایست متعلق بدوره هخامنشی و بعضی از آنها بخطوطی منقوش است که جز خط پیکانی است.

عکس مهرهای از شماره ۱۲۰-۱۳۱ نیز بدوره پیش از هخامنشی تعلق دارد
و غالباً دارای خطوطی است ناشناخته که جادارد درباره آن تحقیق و پژوهش
شود.

(نقل مطالب این مقاله و عکسهای آن بدون ذکر ماخذ مجاز نیست)



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



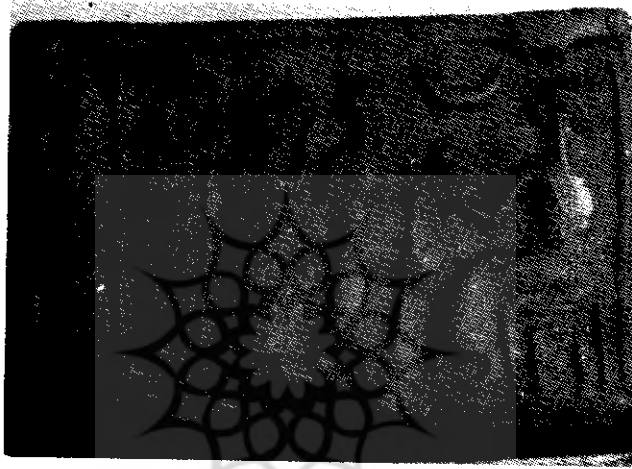
عکس ۱



عکس ۲



عکس ۳



عکس ۴

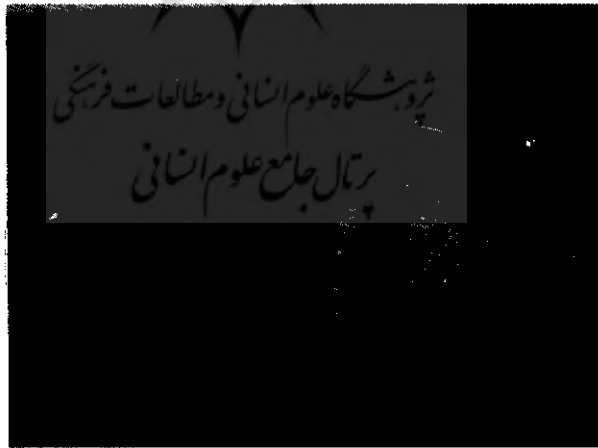
پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



عکس ۵

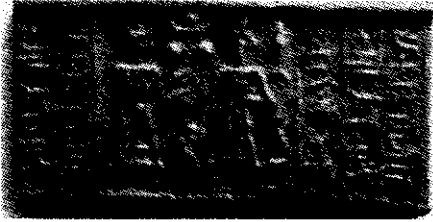


عکس ۶

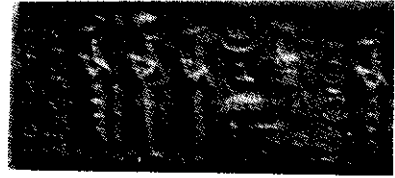


شهرشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

عکس ۷



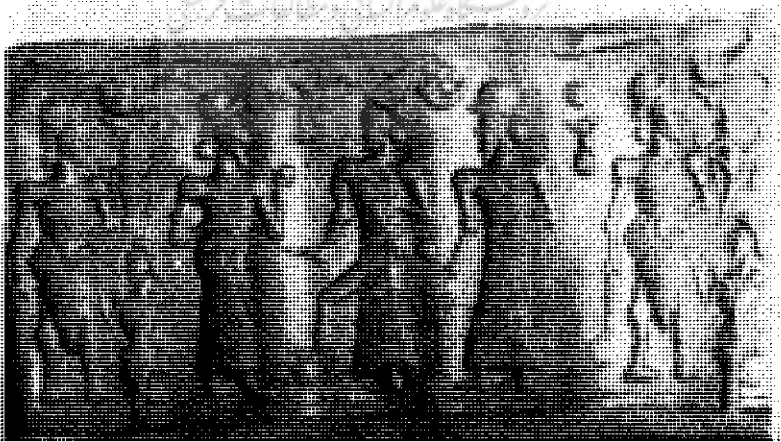
عکس ۹



عکس ۸



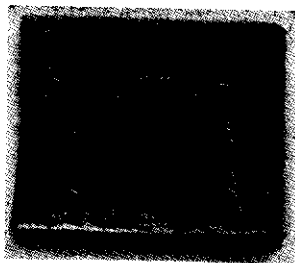
عکس ۱۰



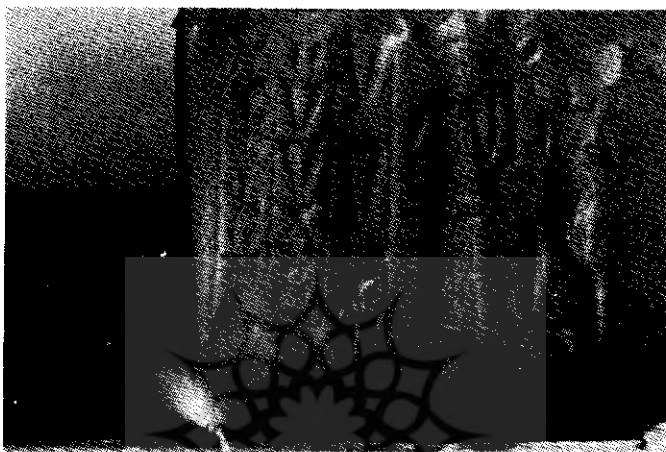
عکس ۱۱



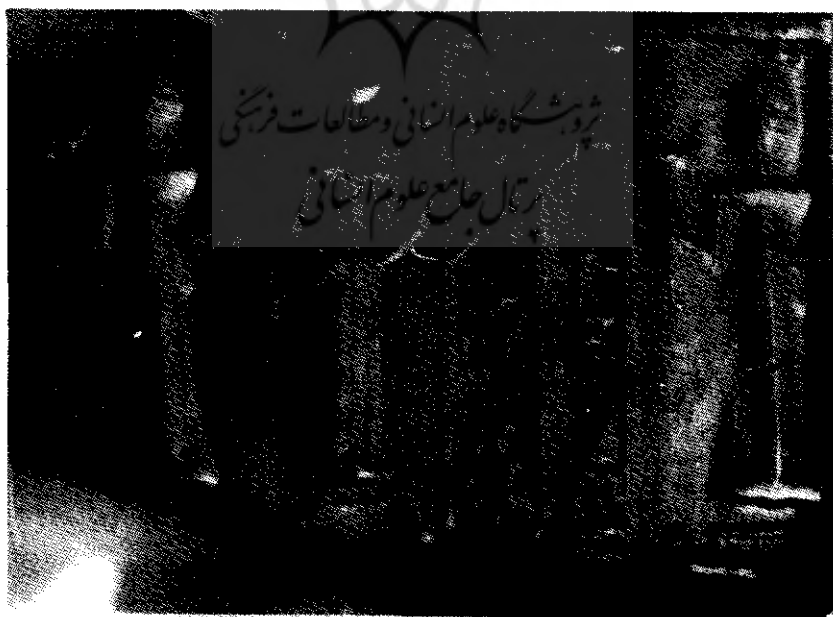
عکس ۱۳



عکس ۱۲



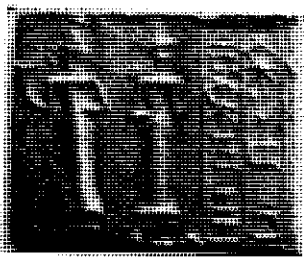
عکس ۱۴



عکس ۱۵



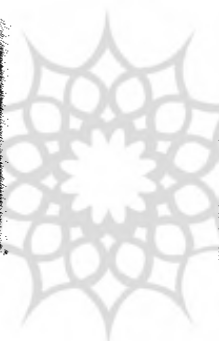
عکس ۱۷



عکس ۱۶



عکس ۱۹

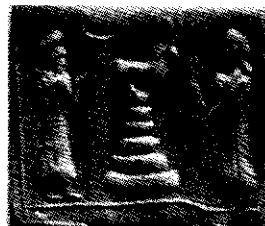


عکس ۱۸

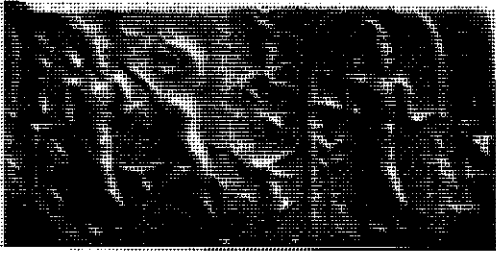
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عکس ۲۱



عکس ۲۰



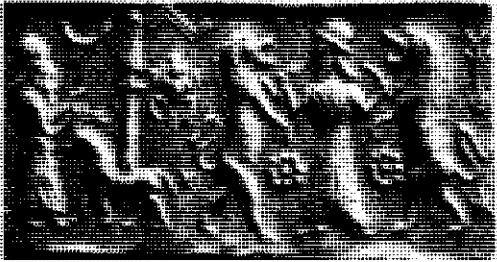
عکس ۳۱



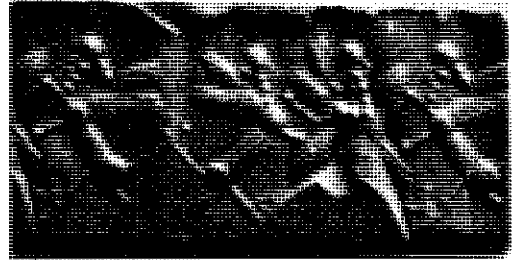
عکس ۳۰



عکس ۳۲
پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عکس ۳۴



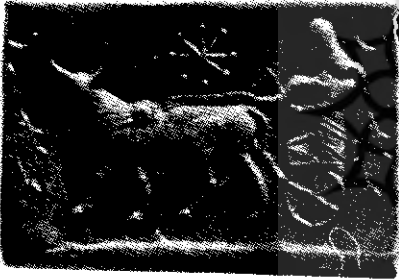
عکس ۳۳



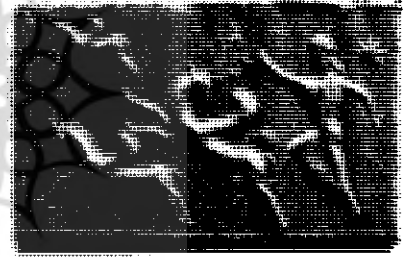
عکس ۳۶



عکس ۳۵

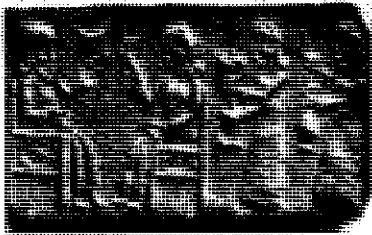


عکس ۳۸



عکس ۳۷

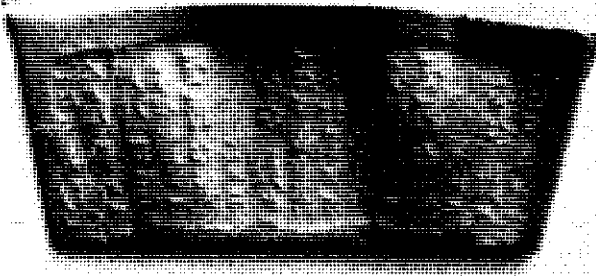
پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عکس ۴۰



عکس ۳۹



عكس ٤٢



عكس ٤١



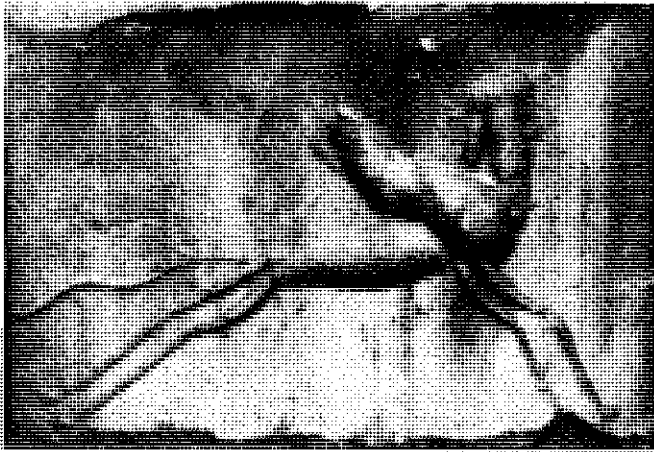
عكس ٤٤
پرتال جامع علوم انسانی



عكس ٤٥



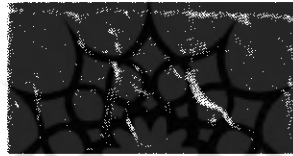
عكس ٤٣



عکس ۴۷



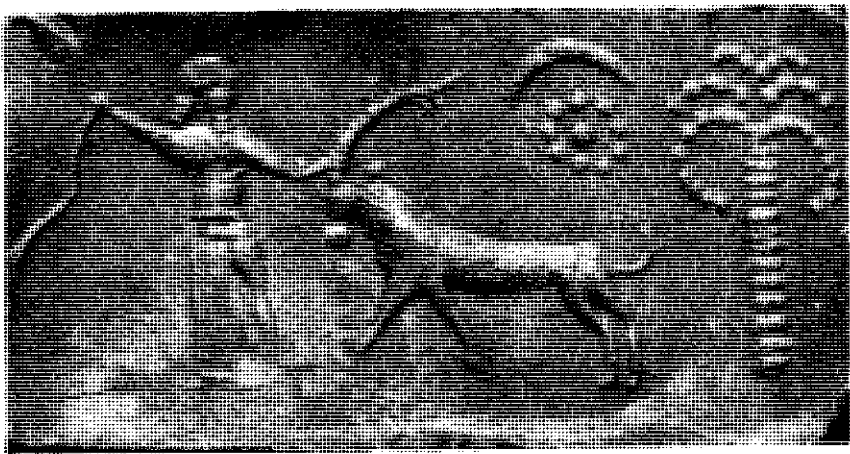
عکس ۴۶



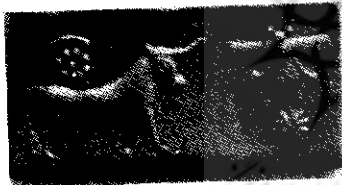
عکس ۴۸



عکس ۴۹



عکس ۵۰



عکس ۵۲



عکس ۵۱

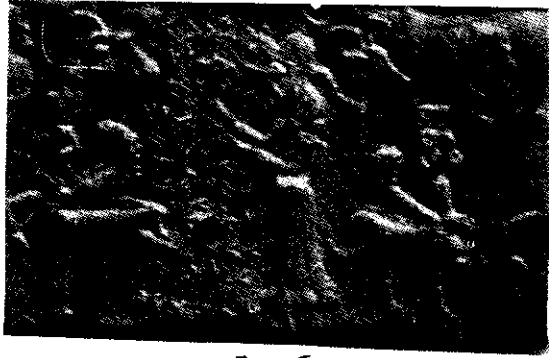


عکس ۵۴



عکس ۵۳

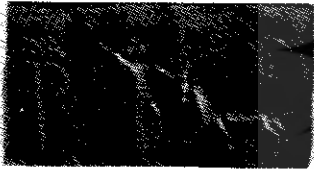
پرو. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



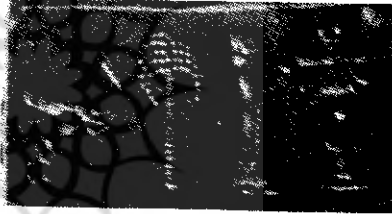
عکس ۵۶



عکس ۵۵



عکس ۵۸



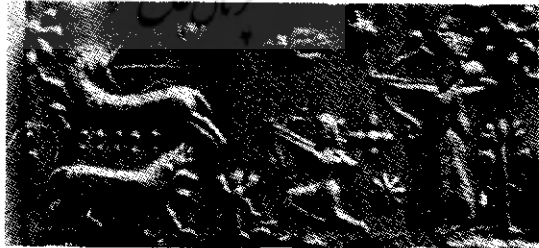
عکس ۵۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات علمی و پژوهشی



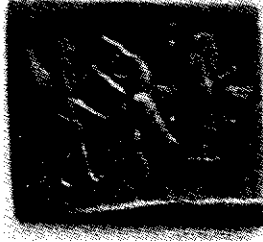
عکس ۶۰



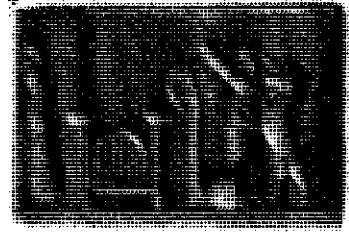
عکس ۵۹



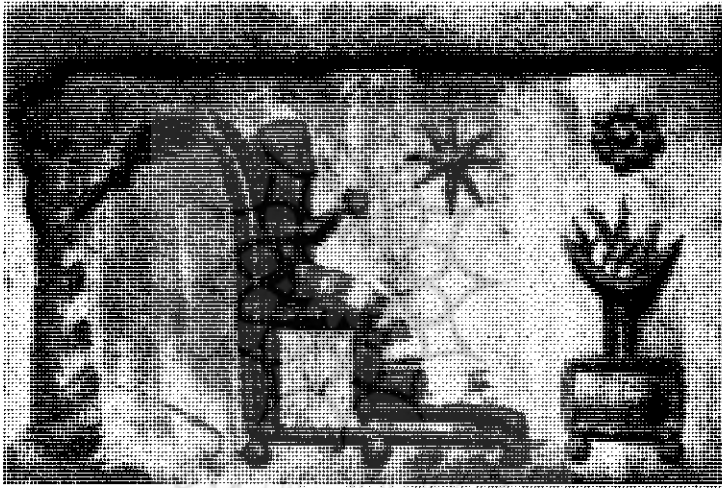
عکس ۶۳



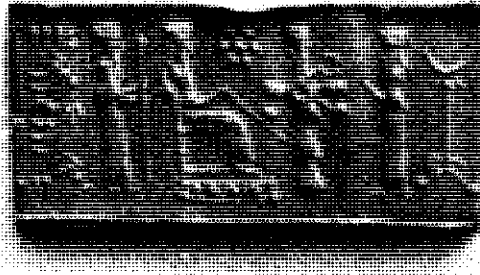
عکس ۶۲



عکس ۶۱



پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال بین المللی علوم انسانی
عکس ۶۴



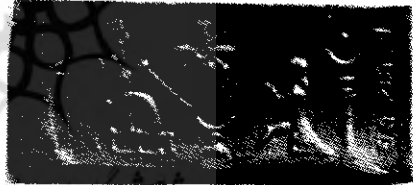
عکس ۶۵



عکس ۶۶



عکس ۶۷



عکس ۶۸

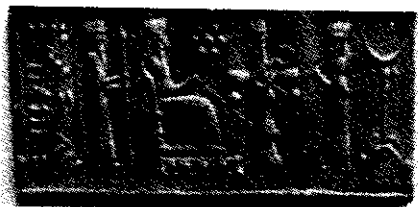
پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات علمی



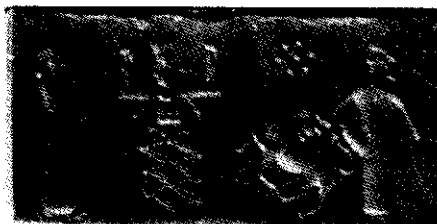
عکس ۷۰



عکس ۶۹



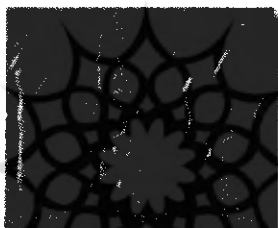
عکس ۷۲



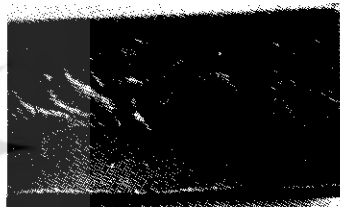
عکس ۷۱



عکس ۷۵

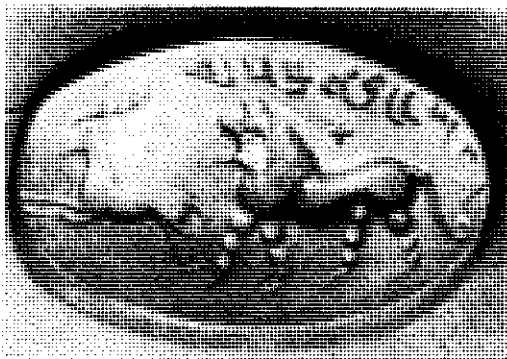


عکس ۷۴

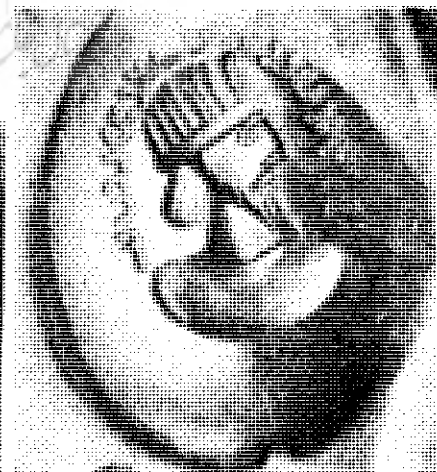


عکس ۷۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی



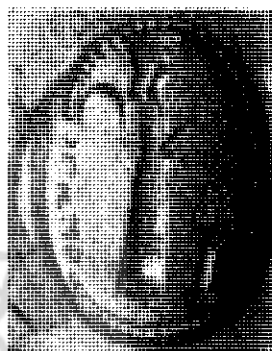
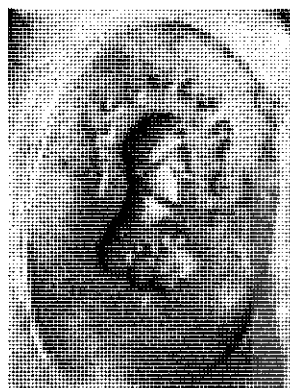
عکس ۷۷



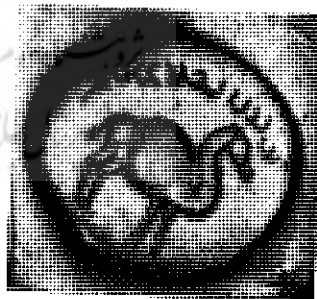
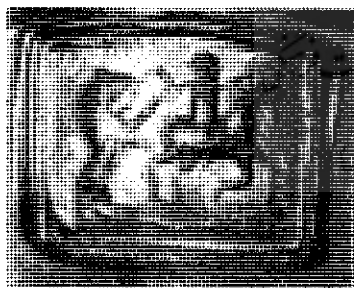
عکس ۷۶



عکس های ۷۸



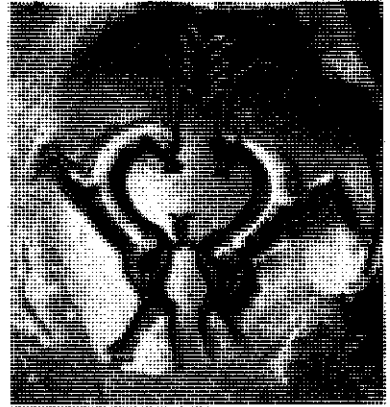
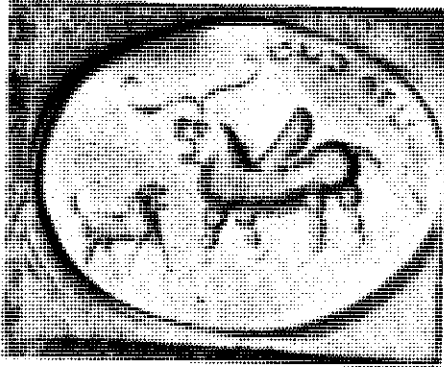
عکس های ۷۹



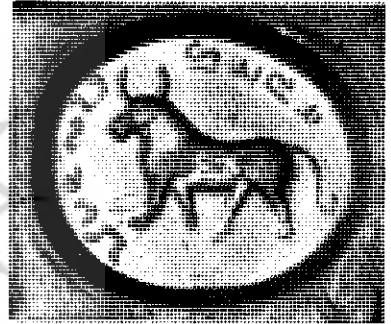
عکس های ۸۰



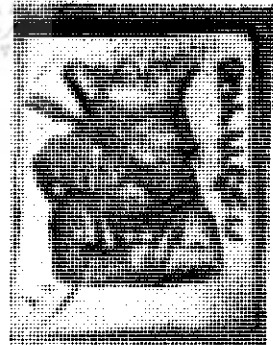
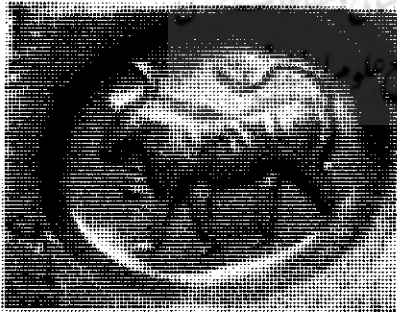
م انسانی و مطالعات
جامع علوم انسانی



عکس های ۸۱



عکس های ۸۲

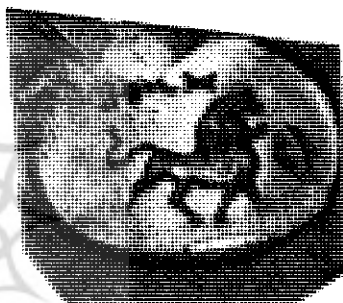
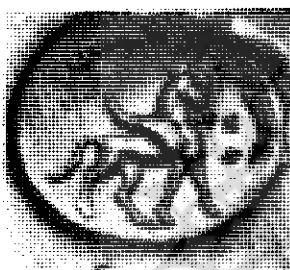


عکس های ۸۳

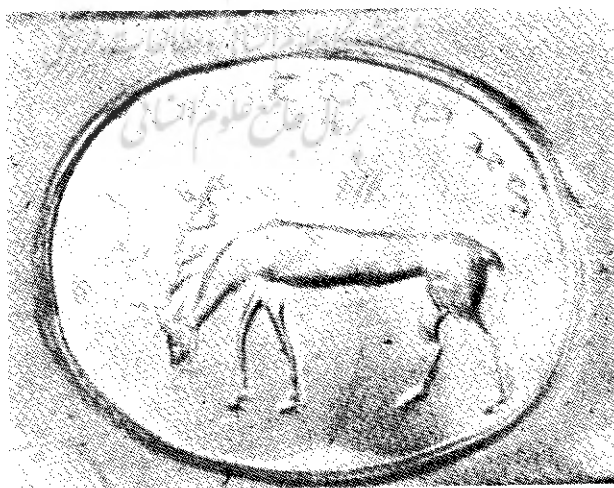
دانشگاه علوم انسانی - تهران
پرتال جامع



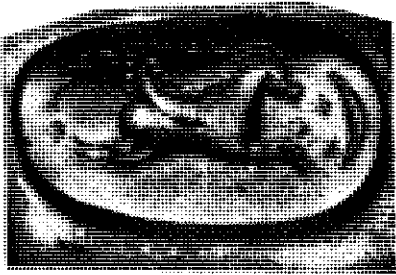
عکس های ۸۴



عکس های ۸۵



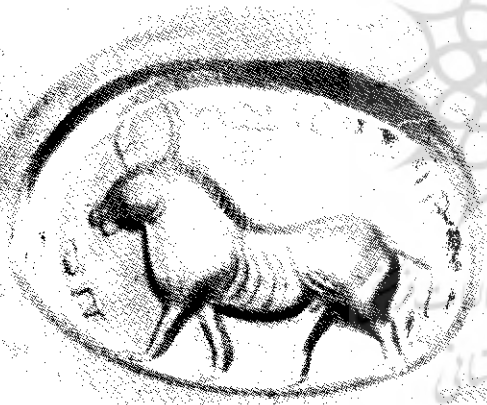
عکس های ۸۶



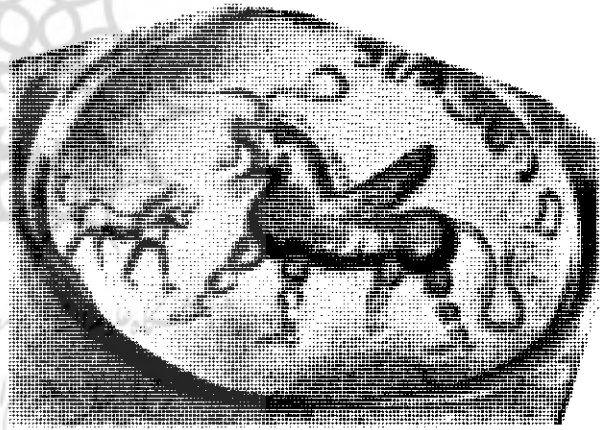
عکس ۸۸



عکس ۸۷



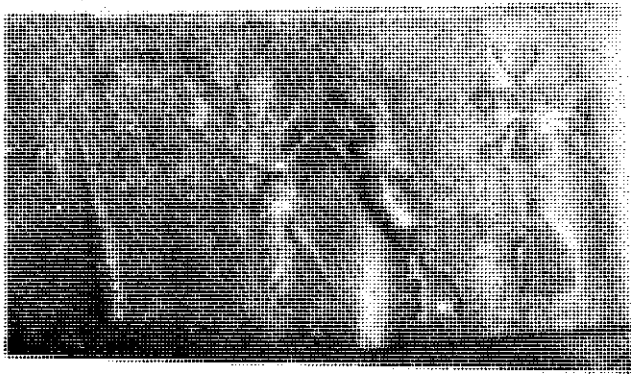
عکس ۹۰



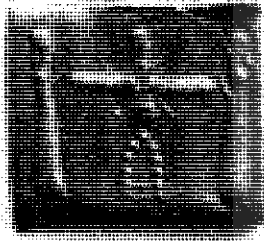
عکس ۸۹



عکس ۹۱



عکس ۹۲



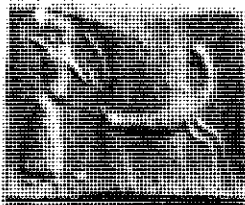
عکس ۹۵



عکس ۹۴



عکس ۹۳



عکس ۹۸



عکس ۹۷



عکس ۹۶

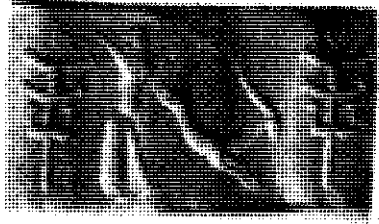
پرو. شهباز گلوم اشرفی و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی



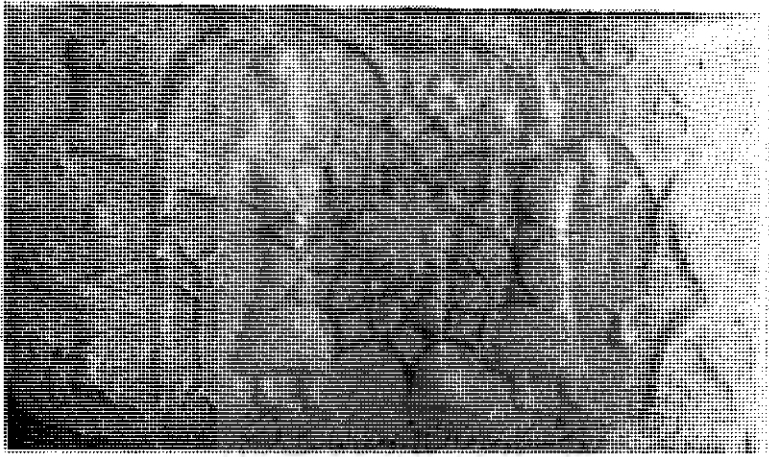
عکس ۱۰۱



عکس ۱۰۰



عکس ۹۹



عکس ۱۰۲
پتال جان کلوم اشانی



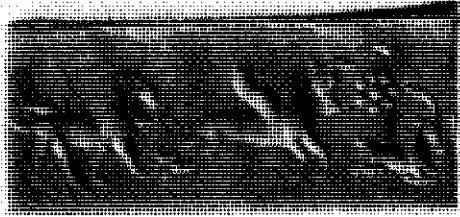
عکس ۱۰۴



عکس ۱۰۳



عکس ۱۰۶



عکس ۱۰۵



عکس ۱۰۸



عکس ۱۰۷

پرو. شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

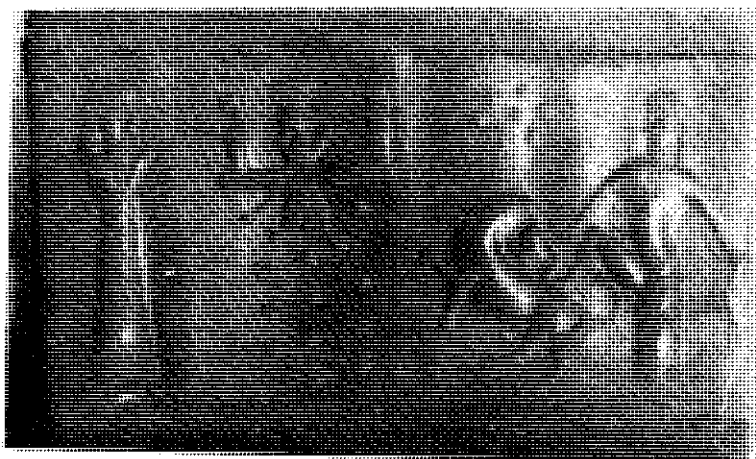
جامع علوم انسانی



عکس ۱۱۰



عکس ۱۰۹



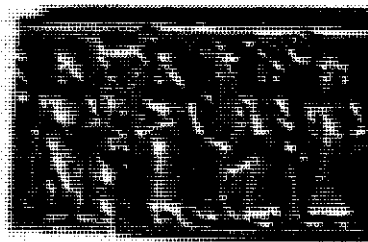
عکس ۱۱۱



عکس ۱۱۴



عکس ۱۱۲



عکس ۱۱۳

ماه علوم انسانی
پرتال جامع



عکس ۱۱۷



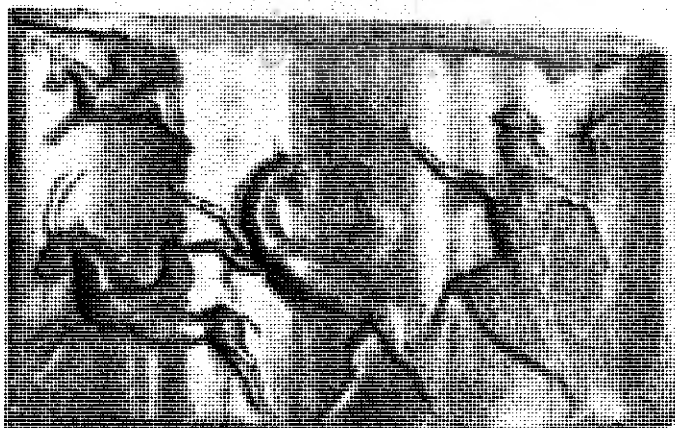
عکس ۱۱۶



عکس ۱۱۵



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
عکس ۱۱۸



عکس ۱۱۹



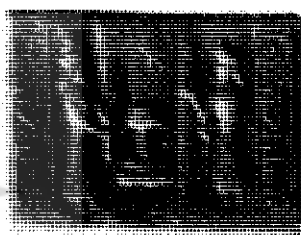
عکس ۱۲۱



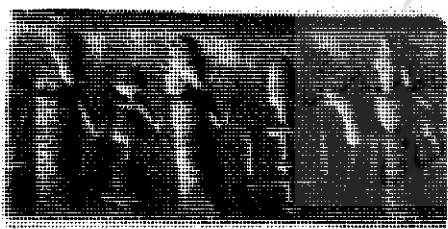
عکس ۱۲۰



عکس ۱۲۳



عکس ۱۲۲



عکس ۱۲۵

شکاه علوم انسانی و
پرتال جامع علوم



عکس ۱۲۴



عکس ۱۲۷



عکس ۱۲۶



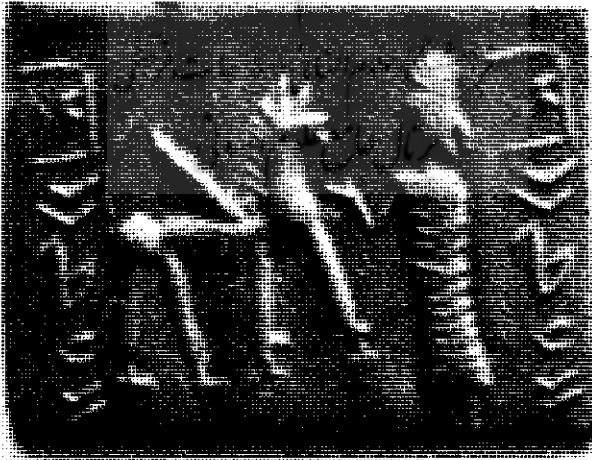
عکس ۱۲۸



عکس ۱۳۰



عکس ۱۲۹



عکس ۱۳۱

پیام محله

خوانندگان و ما

در طی چهار سال انتشار
مجله بررسیهای تاریخی (۲۴
شماره) ، فضلا ودانشمندان و
خوانندگان محترم وعلاقمندها،
بارها نظرات خود راجه کتبی
وجه تلفنی وجه زبانی، در باره
مطالب ومباحث ومجله وهمچنین
شکل وقطع و نحوه چاپ آن
ابراز فرموده اند و اداره مجله نیز
با امتنان فراوان اکثر این
نظرات را بمنظور بهبود وضع
مجله در موقع خود بکار بسته
است وقسمت اعظم پیشرفتها و
بهبودهایی هم که بتدریج در
وضع مجله حاصل شده است
بی گمان حاصل همین نظرات

گروه مطالعات فرسنگی
سال جامع علوم انسانی